

The reasons behind the different outcomes of power struggle in Syria after the Arab Spring: From the civil war to the fall of the Assad's regime

Seyed Amir Niakooee Corresponding Author, Associate Professor of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. Email: niakooee@guilan.ac.ir

Seyed Hossein Mousavi Kordmiri PhD Student in Regional Studies, Middle East Orientation, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran. Iran. Email: hossein.mousavi78s@gmail.com

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Civil War,
Regime Change,
Army,
Regional Actors

ABSTRACT

With the uprisings in Tunisia and its spread to Arab world, Syria underwent a wave of protests in 2011, which quickly led to a long-term civil war. Although Assad gained increasing success on the ground after 2016, the advance of the opposition and the rapid fall of the Assad regime in December 2024 surprised many researchers. This research seeks to answer the question: how can the long-term civil war in Syria and subsequently the sudden fall of the Syrian government be explained? To answer the question, Goldstone's approach is used and the factors affecting the civil war and the fall of the regime are analyzed in a comparative manner. The findings indicate that social fragmentation and the support of some social layers for the regime, the stability of the main core of the army in addition to some defections, as well as the regional and international support of both sides of the conflict played a prominent role in the continuation of the civil war. However, the regional and international supporters of the Syrian government played the most important role in preventing the fall of the regime in the midst of the civil war. On the other hand, the regressive course of support for Assad even among the minorities who were affected by corruption and economic crises, along with the severe erosion of the army and finally the change of the balance of regional and international power in favor of the opposition caused the rapid collapse of the Syrian government. The research method is explanatory and the method of data collection is a library method..

Cite this Article: Niakooee, S. A. and Mousavi Kordmiri, S. H. (2025). The reasons behind the different outcomes of power struggle in Syria after the Arab Spring: From the civil war to the fall of the Assad's regime. *International Relations Researches*, 14(4), 173-206. doi: 10.22034/irr.2025.499126.2652



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2025.499126.2652

چرایی نتایج متفاوت منازعه قدرت در سوریه پس از بهار عربی:

از جنگ داخلی تا سقوط حکومت بشار اسد

سید امیر نیاکویی نویسنده مسئول، دانشیار علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
رایانامه niakooee@guilan.ac.ir

سید حسین موسوی کردمیری دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، گرایش خاورمیانه، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه hossein.mousavi78s@gmail.com

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	با شکل‌گیری بهار عربی در تونس و سرایت آن به جهان عرب، سوریه نیز در مارس ۲۰۱۱ دستخوش موج اعتراضاتی شد که به سرعت به جنگ داخلی طولانی مدتی منجر گشت. اگرچه اسد پس از سال ۲۰۱۶ در عرصه میدانی موفقیت‌های روزافزونی را به دست آورد، اما در اواخر دسامبر ۲۰۲۴ پیشروی معارضان و سقوط سریع حکومت اسد بسیاری از محققان را شگفت‌زده نمود. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که جنگ داخلی درازمدت در سوریه و متعاقباً سقوط ناگهانی حکومت سوریه را چگونه می‌توان تبیین کرد؟ برای پاسخ به پرسش فوق، از رویکرد گلدستون استفاده شده و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری جنگ داخلی و متعاقباً سقوط حکومت اسد مورد بررسی قرار می‌گیرند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که چندپارگی اجتماعی و حمایت برخی لایه‌های اجتماعی از حکومت اسد، پایداری هسته اصلی ارتش سوریه علی‌رغم برخی ریزش‌ها، و همچنین حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی از دو طرف منازعه نقش پررنگی در تداوم جنگ داخلی در سوریه داشت. در این میان، حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی حکومت سوریه که باعث پیشروی‌های چشمگیر حکومت پس از سال ۲۰۱۶ شدند، مهم‌ترین نقش را در عدم سقوط حکومت اسد در بحبوحه جنگ داخلی ایفا نمود. از سوی دیگر، سیر فقه‌رایی مشروعیت و حمایت از اسد حتی در میان اقلیتها که متأثر از فساد و بحرانهای اقتصادی عمیق بود، در کنار فرسایش شدید توان و انگیزه ارتش و در نهایت تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی به ضرر حکومت سوریه، باعث فروپاشی سریع حکومت اسد شدند. روش پژوهش در این مقاله تبیینی و روش جمع‌آوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای است.
کلیدواژه‌ها: جنگ داخلی، تغییر رژیم، ارتش، بازیگران منطقه‌ای	
تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۲۵	

استناد به این مقاله: نیاکویی، سید امیر و موسوی کردمیری، سید حسین. (۱۴۰۳). چرایی نتایج متفاوت منازعه قدرت در سوریه پس از بهار عربی: از جنگ داخلی تا سقوط حکومت بشار اسد. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۴)، ۱۷۳-۲۰۶.

doi: 10.22034/irr.2025.499126.2652

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





با شکل‌گیری بهار عربی در تونس و سرایت آن به مصر، لیبی، یمن و بحرین، سوریه نیز در مارس ۲۰۱۱ دستخوش موج اعتراضات شد. اعتراضات در سوریه از شعارنویسی چند دانش‌آموز و برخورد خشن و دستگیری آنها در درعا آغاز شد که اعتراضاتی را برانگیخت. این اعتراضات با سرکوب خشن نیروهای امنیتی مواجه شد و چندین کشته برجای گذارد. پس از این ماجرا تظاهراتهای دیگری در درعا، حماه، حمص و نواحي دیگر به وقوع پیوست. به مرور تظاهراتها گسترده‌تر شده و به شهرها و نواحي بیشتری از جمله حلب و دمشق تسری یافت (متقی، کوه‌خیل و موسی‌پسندی ۱۳۹۳: ۴۵-۴۱). بررسی موج اعتراضات در سوریه حاکی از این است که اعتراضات در مرحله اول مسالمت‌آمیز و پرشمار بود و صدها هزار نفر از مردم در آنها شرکت کردند. تظاهرکنندگان در ابتدا عمدتاً خواهان اصلاحات سیاسی، پایان فساد، آزادی زندانیان سیاسی و لغو قانون وضعیت اضطراری بودند (Pradhan 2017: 95). نکته پراهمیت دیگر این است که در این مرحله وجوه فرقه‌ای کم‌رنگ بوده و مردم سوریه مانند مصر و تونس از کرامت و آزادی و مخالفت با دیکتاتوری و فساد سخن می‌گفتند. اولین شعارهایی که مردم سوریه سردادند چنین بود "یک، یک، یک، مردم سوریه یکی هستند" این بدان معنا بود که مردم سوریه بدون توجه به مذهب، قومیت یا تعلق سیاسی با صدای واحدی متحد شده‌اند (Fraihat 2016:1). در این میان اما واکنش حکومت، سرکوب گسترده بود طوری که هر روز از تظاهرات، دهها کشته برجای می‌گذارد. با این حال شاید مؤثرترین اقدام حکومت، بهره‌گیری از شکافهای اجتماعی و فرقه‌ای بود. اسد، علوی‌ها و سایر اقلیتها را متقاعد کرد که این شورش یک توطئه از سوی افراط‌گرایان سنی مذهب برای سرنگونی رژیم و سپس قتل‌عام غیرسنی‌ها است (Pollack 2019: 492).

به مرور و متأثر از برخورد سرکوبگرانه حکومت، شکافهای پیچیده فرقه‌ای و مذهبی در سوریه و ورود و مداخله بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به منازعه سوریه، تحولات این کشور به سوی جنگ داخلی پیچیده‌ای سوق یافت. اگرچه تا سپتامبر ۲۰۱۵ حکومت اسد، گروه‌های معارضی چون ارتش آزاد سوریه، جبهه النصره و داعش در کنار دهها گروه مسلح محلی دیگر بر بخش اعظم قلمری سوریه تسلط یافتند، اما ورود پرقدردت گروههای مسلح بسیج شده توسط ایران و قدرت نیروی هوایی روسیه، موازنه قدرت را در این کشور تغییر داد و از ۲۰۱۶ به بعد پیشروی‌های چشمگیر حکومت اسد آغاز شد به گونه‌ای که



به تدریج معارضان نواحی مختلفی چون حلب شرقی، حمص، حماه، درعا و... را از دست داده و در روندی مدیریت شده توسط بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به استان ادلب گسیل شدند. ادلب به مرور به پایگاه اصلی گروه‌های مسلح مختلف از جمله ارتش آزاد و جبهه النصره و دهها گروه مسلح دیگر تبدیل شد. حکومت سوریه نیز بجز استان ادلب و برخی نواحی که تحت کنترل جریانهای کردی سوریه بود، سایر مناطق کشور را در کنترل داشت. اگرچه پس از موفقیت اسد در سرکوب نسبی معارضان، برخی اعتراضات به شرایط سیاسی و اقتصادی در این کشور به وقوع پیوست، ولی از نظر بسیاری از ناظران، حکومت امنیتی نظامی بعث سوریه با حامیان قدرتمند منطقه‌ای و بین‌المللی از ثبات سیاسی لازم برای تداوم سلطه برخوردار بود. در این میان پیشروی سریع و ناگهانی معارضان به رهبری هیات تحریر شام از ادلب به سوی حلب و سقوط دومینووار شهرها و در نهایت سقوط حکومت اسد در ۱۱ روز، بسیاری از محققان را در بهت و حیرت فروبرد. با توجه به روندهای پیچیده تحولات سوریه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴ که در آن مراحل چون اعتراضات مسالمت‌آمیز و سپس جنگ داخلی طولانی مدت و در نهایت سقوطی سریع و غیرمنتظره روی می‌دهد، این پژوهش به دنبال بررسی چرایی این نتایج به‌ویژه تبیین چرایی شکل‌گیری جنگ داخلی طولانی مدت و متعاقباً سقوط غیرمنتظره حکومت سوریه است. محدوده زمانی پژوهش تحولات سوریه از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴ و هدف آن واکاوی چرایی وقوع نتایج سیاسی مختلف در این بازه زمانی است. به عبارتی دیگر، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که؛ جنگ داخلی درازمدت در سوریه و متعاقباً سقوط ناگهانی حکومت سوریه را چگونه می‌توان تبیین کرد؟

۱. پیشینه پژوهش

با شروع تحولات انقلابی در جهان عرب از سال ۲۰۱۱، آثار علمی فراوانی در قالب مقاله، کتاب و پایان‌نامه به رشته تحریر درآمد که ابعاد مختلف جنبش‌ها و چرایی موفقیت یا عدم موفقیت آنها در رسیدن به اهدافشان را مورد بررسی قرار دادند. تحولات سوریه نیز بنا بر تعدد بازیگران و پیچیدگی بحران از همان ابتدا بخش زیادی از آثار پژوهشی را به خود اختصاص داد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه اشاره خواهیم کرد. سالی شریف^۱ (۲۰۲۱) در مقاله «پیش‌بینی پایان درگیری سوریه: از تئوری تا واقعیت یک جنگ داخلی»، با مطالعه جنگ داخلی سوریه به چرایی طولانی

¹ Sally Sharif



شدن آن و عدم تحقق پیش‌بینی‌های موجود در زمینه پایان جنگ و پیروزی یکی از طرفین پرداخته است. نویسنده سه عامل مهم در درگیری‌های سوریه که در پیش‌بینی‌های اشتباه نقش داشته‌اند را مورد اشاره قرار می‌دهد که عبارتند از: نخست؛ برداشت‌های اشتباهی که به دلیل عدم وجود اطلاعات کافی باعث گمراهی طرفین از میزان دامنه جنگ و اطلاع از توانمندی یکدیگر شده است، دوم؛ تلاش‌های انجام شده برای بازسازی ساختار سازمانی ارتش آزاد سوریه که به نظر می‌رسید توانایی تبدیل شدن به یک سازمان یکپارچه را داشته و می‌تواند اهداف خود را در برابر دولت محقق سازد و سوم؛ اختلاف نظر میان حامیان خارجی و حمایت آنها از گروه‌های مختلف به گونه‌ای که هم دولت و هم شورشیان از حمایت‌های نظامی و مالی دولت‌های خارجی برخوردار بودند.

ماریان ژوبر و ساموئل ساحل‌موسی^۱ (۲۰۱۸)، در مقاله «بهار عربی به‌عنوان پس‌زمینه جنگ داخلی در سوریه»، پیامدهای وضعیت اجتماعی و سیاسی سوریه که در نتیجه رویدادهای بهار عربی در تونس، لیبی و مصر بود را تحلیل کردند. تمرکز آنها بر گسترش درگیری سوریه بود که با شورش آغاز و به جنگ داخلی تبدیل شد. پژوهشگران بر این باورند که ابتدا تظاهرات، دموکراسی خواهانه بود اما با برخورد سخت توسط رژیم موج اعتراضات گسترده‌تر شد و استفاده از زور توسط رژیم باعث تشدید عزم معترضان و در نهایت آغاز جنگ داخلی شد. همچنین فرقه‌گرایی و ویژگی بارز جنگ سوریه بود که هر چه دامنه جنگ گسترده‌تر می‌شد این عامل خود را بیشتر نشان می‌داد. از منظر این مقاله مداخله خارجی نقش تأثیرگذاری در جنگ داخلی سوریه ایفا کرد اما به طرز متناقضی باعث تشدید درگیری و طولانی شدن جنگ شد. ایران، عراق، حزب‌الله لبنان و روسیه اصلی‌ترین حامیان اسد بودند و در مقابل ترکیه، قطر، عربستان و آمریکا نیز از شورشیان حمایت می‌کردند.

زیسر ایال^۲ (۲۰۱۸)، در مقاله «چرا بشار اسد در جنگ پیروز شد؟»، اینگونه استدلال می‌کند که سیر وقایع سوریه در سال‌های اخیر نشان داده است بشار اسد یک حاکم مصمم است که می‌خواهد میلیون‌ها نفر از مردم خود را قربانی کند تا بقای خویش را تضمین بخشد. در این راستا آنچه که بقای اسد را ضمانت بخشید، حمایت بخش مهمی از مردم سوریه بود که به حاکم دولت سوریه وفادار بودند. وجود چنین پشتیبانی از سوی مردم، اسد را قادر ساخت تا از سال‌های طولانی جنگ جان سالم به در ببرد و

¹ Marian Zuber and Samuel Sahel Moussa

² Eyal Zisser



با کمک روسیه و ایران کنترل مناطق از دست رفته را دوباره به دست آورد. هر چند بشار اسد در این نبرد با حمایت تهران و مسکو برای تضمین بقای خود توانست پیروز شود، اما سعی می‌کند تا جایی که امکانش باشد توانایی کنترل امور را در دستان خود بگیرد.

گروه ویژه خاورمیانه و شمال آفریقا^۱ در مؤسسه مطالعاتی بلژیک (10 December 2024)، در گزارش پژوهشی خود با عنوان «فصلی جدیدی برای سوریه: تحلیل فروپاشی رژیم اسد»، به این مسئله اشاره می‌کنند که فروپاشی رژیم اسد که توانست بیش از پنج دهه حکومت استبدادی در سوریه را پایان دهد، نتیجه ترکیبی از تلافی شکست‌های نظامی، رکود سیاسی و اجتماعی بی‌سابقه بود که در طول سال‌ها شکل گرفته بود. تضعیف ارتش در طول سال‌های جنگ داخلی، خودداری اسد از مشارکت در اصلاحات سیاسی معنادار، از بین رفتن مشروعیت اجتماعی رژیم در پی خسارات گسترده و استفاده از خشونت ساختاری علیه غیرنظامیان از جمله سلاح‌های شیمیایی و بازداشت‌های دسته جمعی، پایه‌های حکومت اسد را سست کرده بود. همچنین کاهش حمایت متحدانی مانند روسیه و ایران از دولت اسد بر خلاف سال‌های جنگ داخلی و پویایی سریع قدرت از طرف شورشیان گروه تحریر الشام، تمامی عوامل را به ضرر رژیم اسد همراه کرد که در نهایت سقوط آن را رقم زد.

محمد سنان سیچ و سلسبیل حاج شریف^۲ (12 December 2024)، در مقاله خود با عنوان «سقوط اسد: میراث سرکوب و نفوذ خارجی در میان شورشیان سوری»، به این مسئله می‌پردازند که؛ اقتصاد سوریه به دلیل بیش از یک دهه جنگ، ویران شده بود. تحریم‌ها زیرساخت‌های دولتی را فلج کرد و ۹۰ درصد مردم سوریه را زیر خط فقر قرار داد. یارانه‌های دولتی برای کالاهای ضروری کاهش پیدا کرده بود که بحران انسانی را تشدید می‌کرد و به مخالفت‌های عمومی علیه دولت دامن می‌زد. علاوه بر این ارتش به‌عنوان ستون فقرات رژیم، در اثر فرسایش سال‌های طولانی جنگ، تضعیف شده بود. از نظر خارجی نیز حزب الله با تمرکز بر مسئله غزه و جنگ با اسرائیل قدرت همیشگی خود را از دست داده بود که در پی کاهش قدرت آن، توان منطقه‌ای ایران نیز کاهش پیدا کرد. روسیه به‌عنوان متحده دیگر رژیم اسد در طول حدود سه سال جنگ با اوکراین تمام تلاش و تمرکز خود را بر این مسئله معطوف کرد. در چنین شرایطی، شورشیان که از سال‌ها قبل در حال سازماندهی نیروهای خود بودند، توانستند از فرصت پیش آمده استفاده کرده و منجر به سقوط رژیم شوند. با این توضیحات سقوط دولت اسد را نه امری تعجب

¹ MENA Task Force

² Siyech, Mohammed Sinan & Hadj-Cherif, Celsabil



برانگیز، بلکه قابل پیش‌بینی می‌داند. سید امیر نیاکویی (۱۳۹۹)، در کتاب «زمستان عربی و معمای دموکراسی در خاورمیانه»، به چرایی ناکامی انقلاب‌های معاصر عربی تحت عنوان «بهار عربی^۱» و سیر قهقرایی آن که می‌توان با «زمستان عربی^۲» از آن نام برد، پرداخته است. نویسنده در فصل هفتم کتاب علل و زمینه‌های جنگ داخلی و عدم‌گذار دموکراتیک در سوریه را تبیین می‌کند. چندپاره بودن جامعه سوریه و درگیری میان گروه‌های اپوزیسیون با یکدیگر، عدم مصالحه نخبگان که ریشه در فرقه‌گرایی داشت، ماهیت کنش نیروهای مسلح که با شروع اعتراضات به مثابه ابزار سرکوب عمل کرده بودند و در نهایت مداخلات بازیگران خارجی که با شروع بحران سوریه، این کشور محل رقابت ژئوپلیتیکی بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده بود، اصلی‌ترین دلایل عدم‌گذار دموکراتیک در سوریه و پایداری رژیم به شمار می‌آمدند.

سید عبدالامیر نبوی و مریم دری (۱۳۹۶)، در مقاله «ضعف دولت-ملت در سوریه و وقوع جنگ داخلی در این کشور (۲۰۱۱-۲۰۱۶)»، به بررسی تأثیر ضعف دولت-ملت بر وقوع جنگ داخلی در سوریه پرداخته‌اند و این ضعف را عامل اصلی بحران سوریه بر می‌شمرند که ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در این کشور بود. این پژوهش برخورد قهرآمیز نیروهای نظامی و امنیتی با اعتراضات مردمی در کنار دخالت تدریجی و فزاینده قدرت‌های خارجی را عواملی می‌داند که دولت را در تأمین ثبات سیاسی با تردید مواجه کرده و ناکام گذاشته بود که در چنین شرایطی مشکل قدیمی ضعف دولت-ملت که ریشه در شکل‌گیری کشور سوریه دارد اثر خود را نشان داده است.

سید امیر نیاکویی و سعید پیرمحمدی (۱۳۹۹)، در مقاله «گذار از دولت به شبه دولت در عراق و سوریه پس از بیداری اسلامی (۲۰۱۱-۲۰۱۸)»، از منظر جامعه‌شناسی به بررسی گذار عراق و سوریه از وضعیت دولتی به شبه دولتی در دوره زمانی پس از بیداری عربی پرداخته‌اند. نویسندگان با طرح این سؤال که گذار از وضعیت دولتی به شبه دولتی و فرسایش دولت در عراق و سوریه پس از بهار عربی را چگونه می‌توان تبیین کرد؟ اینگونه فرضیه خود را مطرح می‌کنند که ضعف دولت-دولت و بحران‌های مشارکت، مشروعیت و هویت در کنار نقش‌آفرینی بازیگران خارجی زمینه‌ساز ورود دولت به فاز شبه دولت در عراق و سوریه شده است. علی‌رغم پژوهش‌های بررسی شده در بالا و دیگر آثار علمی موجود، ضرورت انجام این پژوهش نخست از این جهت است که با فروپاشی و سقوط رژیم بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴،

¹ Arab Spring

² Arab winter



این پژوهش در نوع خود اولین تحقیقی است که با رویکردی خاص و به کارگیری چارچوب نظری و مفهومی مشخص، دلایل و عوامل تأثیرگذار بر فروپاشی دولت را تبیین می‌کند. همچنین بخش دوم نوآوری تحقیق در این است که با رویکرد تطبیقی به نقش مؤلفه‌هایی می‌پردازد که در دو مرحله جنگ داخلی و سقوط رژیم تأثیرگذاری‌های متفاوتی داشتند،

۲. چشم‌انداز نظری: نتایج مختلف خیزش‌های مردمی

یکی از موضوعات پراهمیت در حوزه علوم سیاسی، شکل‌گیری و نتایج خیزش‌های مردمی و جنبش‌های انقلابی است. در رابطه با علل قیام‌ها و انقلاب‌های مردمی، رویکردهای نظری و چارچوب‌های مفهومی متفاوتی مطرح شده‌اند. گذشته از رویکرد مارکس که انقلاب‌ها را براساس شیوه‌های تولید و تضاد طبقاتی مطرح می‌کند، سایر نظریات را می‌توان در سه نگرش کلی تقسیم‌بندی کرد: نظریات روانشناختی جمعی که تلاش می‌کنند قیام‌ها و انقلاب‌ها را بر اساس انگیزه‌های روان‌شناختی مردمی که به خشونت‌های سیاسی مبادرت کرده یا به جنبش‌های مخالف می‌پیوندند، توضیح دهند؛ نظریه‌های اجماع سیستمی/ارزشی که انقلاب‌ها را در قالب پاسخ‌های خشونت‌آمیز جنبش‌های ایدئولوژیک به عدم تعادل شدید در سیستم‌های اجتماعی توضیح می‌دهند. و نظریه‌های تعارض سیاسی، که استدلال می‌کنند برای توضیح خشونت جمعی و انقلاب‌ها، باید تعارض میان دولت‌ها و گروه‌های سازمان‌یافته مختلف که برای قدرت رقابت می‌کنند، در مرکز توجه قرار بگیرد (Skocpol, 1979: 7-9).

در رابطه با عوامل تعیین‌کننده نتایج قیام‌های مردمی، بسیاری از محققان بر عوامل مشابهی تمرکز و تأکید دارند. به طور کلی، پیامد قیام‌های مردمی و جنبش‌های انقلابی در رژیم‌های استبدادی که در برابر دموکراتیزاسیون مقاومت می‌کنند را می‌توان به سه نوع مختلف دسته‌بندی کرد که عبارتند از؛ تغییر رژیم، جنگ داخلی طولانی‌مدت، و سرکوب گسترده توسط رژیم. (Niakooee, 2013: 422-3). گلدستون استدلال کرده است که برای تغییر رژیم، همراستایی تعدادی از عوامل در کنار هم لازم است. نخست؛ دولت باید به طور غیرقابل جبرانی ناعادلانه و ناکارآمد جلوه کند، طوری که عمیقاً به‌عنوان تهدیدی برای آینده کشور تلقی شود. دوم؛ نخبگان (به ویژه در ارتش) باید از دولت فاصله گرفته و دیگر مایل به دفاع از آن نباشند. سوم؛ بخش گسترده‌ای از جمعیت، که شامل گروه‌های قومی و مذهبی و طبقات اجتماعی-اقتصادی است، باید بسیج شوند. و درنهایت قدرت‌های بین‌المللی نیز یا باید از دفاع از دولت مستقر



خودداری کنند یا آن را از استفاده حداکثری از قدرت برای دفاع از خود باز دارند. انقلاب‌ها به ندرت پیروز می‌شوند زیرا فراهم شدن این عوامل به طور همزمان، همیشه امکان‌پذیر نیست (Goldstone, 2011). پیکربندی متفاوت عوامل ذکر شده توسط گلدستون منجر به نتایج متفاوتی می‌شود. زمانی که مردم در برخی مناطق به دلیل ایدئولوژی سیاسی یا انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرقه‌ای یا ترس، وفادار به رژیم هستند، و مناطق دیگر تبدیل به سنگرهای شورشیان با حمایت قوی مردم محلی می‌شوند و ارتش به دلیل شکاف‌های فرقه‌ای یا منطقه‌ای تکه تکه می‌شود به نحوی که بخشی از ارتش از رژیم حمایت می‌کنند در حالی که سایر بخش‌ها دچار تردید یا ریزش از ارتش می‌شوند، نتیجه آن شورش مسلحانه و جنگ داخلی خواهد بود. کشورهای غیرهمگن و چندپاره که در آنها شکاف‌های فرقه‌ای و قبیله‌ای تعیین‌کننده‌تر است، بیش از کشورهای همگن در معرض جنگ‌های داخلی بوده‌اند. باید توجه داشت که شورش‌های مسلحانه معمولاً با تظاهرات و ناآرامی‌های مدنی شروع شده که به سرعت به خشونت محلی و سپس نبرد تمام عیار تبدیل می‌شوند (Atkinson et al, 2011). نتیجه یک جنگ داخلی به بخشی از جمعیت و نیروهای نظامی که از هر یک از طرفین جنگ حمایت می‌کنند و اثربخشی و تأثیرگذاری آنها بستگی دارد. زمانی که وضعیت شکننده‌ای حاکم باشد و پیروزی گروه‌های مختلف بر یکدیگر دشوار باشد، نقش مداخلات خارجی تعیین‌کننده‌تر می‌شود.

آخرین نوع پیامد، سرکوب مؤثر توسط رژیم است. این نتیجه زمانی اتفاق می‌افتد که ارتش یکپارچه بوده و شدیداً از رژیم حمایت کند و توانایی بالایی در سرکوب قیام‌ها داشته باشد. برای رخداد سرکوب مؤثر، لازم است که بازیگران قدرتمند خارجی یا از دخالت پرهیز کرده و یا به نفع رژیم مداخله کنند. با این وجود، زمانی که مشروعیت یک رژیم شکننده است و بخش بسیار گسترده‌ای از مردم بسیج می‌شوند، بقای رژیم در درازمدت دشوار خواهد بود و در صورت ادامه اعتراض‌ها و تشدید خشونت‌های انجام شده توسط رژیم، ممکن است کشورهای با نفوذ خارجی و حتی ارتش در سیاست‌های خود در قبال رژیم تجدید نظر کنند (Niakooee 2013: 422-3). البته نوع واکنش‌های بازیگران بین‌المللی همیشه یکسان نبوده و به نظر می‌رسد منافع، توانایی و محدودیت‌های کشورهای تاثیرگذار خارجی در تعیین رفتار آنها تعیین‌کننده‌تر است. به طور کلی و با بهره‌گیری از رویکرد گلدستون می‌توان استدلال نمود که سه عامل میزان فراگیری جنبش‌های اعتراضی و قدرت مخالفان؛ کنش ارتش و نیروهای مسلح کشور



و میزان حمایت آنها از رژیم؛ و نقش عوامل بین‌المللی و میزان حمایت آنها از رژیم یا مخالفان، مجموعه عواملی هستند که صورت‌بندی‌های مختلف آنها می‌تواند نتایج مختلفی مانند سرکوب اعتراضات و شورشها، سقوط رژیم یا جنگ داخلی طولانی‌مدت را رقم بزند. ما در این پژوهش، از دیدگاه گلدستون و مباحث نظری مطرح شده بهره می‌گیریم تا نتایج متفاوت شورشها و اعتراضات در سوریه (جنگ داخلی طولانی مدت و سپس تغییر رژیم) را تبیین نماییم. بر این اساس، سطح بسیج اجتماعی مخالفان، واکنش نیروهای مسلح، و عملکرد قدرت‌های خارجی تاثیرگذار در سوریه مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۳. زمینه‌های شکل‌گیری جنگ داخلی در سوریه

پس از مرگ حافظ اسد در سال ۲۰۰۰، بشار پسر ۳۵ ساله او برای ریاست جمهوری نامزد و جانشین پدر شد. او در ابتدای دوران مسئولیت خود در این جایگاه، قول داد اصلاحاتی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در سوریه اعمال کند. او انحصارات دولتی را از هم پاشید و خصوصی کرد اما منافع، در میان کسانی که به خوبی با رژیم در ارتباط بودند متمرکز شد. همچنین در دو سه سال اول، شرایط اجتماعی و مدنی رو به بهبود رفته بود تا اینکه در پی هشدار نیروهای امنیتی، اسد تمرکز خود را بر سیاست خارجی و اقتصادی گذاشت. در نهایت خشکسالی بی‌سابقه از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ مشکلات اجتماعی و اقتصادی را تشدید کرد. جمعیت قابل توجهی از کشاورزان و دهقانان به شهرها مهاجرت کردند که این مسئله باعث افزایش نرخ بیکاری و نارضایتی‌هایی در سطح جامعه شد اما تا قبل از قیام‌های عربی بروز و ظهور پیدا نکرد.

پس از آنکه انقلاب‌های عربی در دسامبر ۲۰۱۰ با خودسوزی یک میوه فروش تونسی به نام محمد بوعزیزی و برخورد پلیس تونس با او، آغاز شد؛ جنبش‌های اعتراضی و قیام‌های مردمی در تونس و سپس در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا به وقوع پیوست که حکومت‌های قدیمی تونس، مصر، یمن و لیبی را مجبور به کناره‌گیری کرد. با الهام از این اتفاقات، پانزده دانش آموز در شهر درعی سوریه به دلیل نوشتن؛ «مردم خواهان سقوط رژیم هستند» روی دیوار مدرسه، دستگیر و شکنجه شدند. تظاهرکنندگانی که پشت سر آنها تجمع کرده بودند با پلیس درگیر شده و اعتراضات گسترش یافت. بسیاری از معترضان نه خواستار برکناری حکومت اسد بلکه خواستار انجام اصلاحاتی چون آزادی زندانیان سیاسی، پایان دادن به وضعیت اضطراری، آزادی‌های اجتماعی بیشتر و پایان دادن و مقابله با فساد



بودند (Laub, 20 December 2024). هر چند سوریه آخرین کشور در میان کشورهای عربی بود که موج اعتراضات را تجربه کرد، اما پیچیدگی تحولات و تعدد بازیگران باعث شد تا طولانی‌ترین دوره درگیری بین حکومت و هم‌پیمانان آن با گروه‌های مخالف در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه تجربه شود. در جریان این تحولات، بسیاری از تحلیل‌گران سقوط دولت اسد را پیش‌بینی کرده بودند، اما علی‌رغم اینکه تا قبل از ۲۰۱۶ دولت اسد بسیاری از مناطق تحت کنترل را از دست داده و آسیب‌های جدی فراوانی دیده بود، پس از آن توانست پیشروی‌هایی را علی‌رغم ضعف‌های گسترده خود، رقم زند. با ارائه توضیحات فوق، در بخش فعلی سعی می‌شود نقش سه عامل میزان فراگیری جنبش، کنش ارتش، و نقش عوامل بین‌المللی در جریان جنگ داخلی سوریه مورد بررسی قرار بگیرد تا جایگاه تأثیرگذار هر یک از آنها مشخص شود.

۳-۱. میزان فراگیری جنبش: چندپارگی اجتماعی و حمایت برخی لایه‌ها از حکومت اسد

از مهم‌ترین ویژگی‌های تحولات سوریه در ابتدا این بود که حکومت اسد بر خلاف مبارک و بن‌علی از پایگاه اجتماعی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود که در تجمعاتی که در طرفداری از اسد برگزار شده بود، نشان داده شد. در واقع بارها صدها هزار نفر از مردم سوریه به ویژه در شهرهای بزرگی مانند دمشق و حلب در حمایت از اسد و اصلاحات او راهپیمایی کرده بودند. در این بین حمایت علوی‌ها و همچنین حمایت نسبی دروزی‌ها و مسیحیان و سایر اقلیت‌هایی که در دولت سکولار اسد از حفاظت و پشتیبانی برخوردار بودند را باید مورد توجه قرار داد. ترس از شکل‌گیری بنیادگرایی سنی و نقض حقوق اقلیت‌ها، این اقشار را به حمایت از اسد ترغیب کرده بود. همچنین حمایت بخشی از سنی‌های سکولار که از یک سو منافع آنها به منافع رژیم پیوند خورده و از سوی دیگر از قدرت‌گیری سلفیون در این کشور واهمه داشتند، نیز موضوع پراهمیت دیگری است. رژیم اسد به دلیل اتخاذ مواضع مبارزه‌جویانه و سرسختانه در قبال رژیم صهیونیستی و حمایت از جریانهای مقاومت در فلسطین و لبنان تاحدودی از حمایت ملی‌گرایانه نیز بهره می‌برد (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۴۸) با گسترش دامنه‌های جنبش در سوریه و سرایت آن به شهرهای مختلف، حکومت اسد سعی کرد با سرکوب گسترده از یکسو و بهره‌گیری از ساختار فرقه‌ای جامعه و دامن زدن به شکافها، به مدیریت اوضاع بپردازد. برخورد خشن و سرکوب‌گرانه از سوی رژیم باعث شد که برخی از معترضان سلاح بدست گرفته و با حکومت درگیر شوند. با افزایش خشونت‌آمیز



جنگ داخلی، گروه‌های افراطی مانند دولت اسلامی عراق و شام (موسوم به داعش)، و شاخه سوری اخوان المسلمین و دیگر گروه‌های بنیادگرا در سوریه تحرکاتی انجام دادند (Hall and Hiltermann, 9 December 2024). مدعیان مختلف شامل رژیم حاکم، جبهه النصره، داعش و ارتش آزاد سوریه و بسیاری از گروه‌های دیگر وضعیت پیچیده‌ای را رقم زدند. برخی شهرها در اختیار گروه‌های معارض با یکدیگر مانند داعش، جبهه النصره و ارتش آزاد سوریه و برخی مناطق در اختیار ارتش قرار گرفته بود. موضوع پیچیده‌تر آنکه جریان‌های اپوزیسیون فوق‌الذکر نیز با یکدیگر خصومت داشتند و درگیری‌های مختلفی بین آنها صورت می‌گرفت (نیاکویی، ۱۳۹۳: ۷۳) به طور کلی، کنش سرکوب‌گرایانه شدید حکومت، پیامدهای زیر را به همراه داشت. اول اینکه کم‌کم مخالفان را رادیکال‌تر کرده و را به سوی مسلح شدن سوق داد؛ دوم زمینه جدایی بخشهایی از ارتش به ویژه سربازان و وظیفه و برخی افسران میانی و بالاتر و پیوستن آنها به مخالفان را فراهم آورد. این افراد که عمدتاً دارای گرایش‌های ملی‌گرایانه بودند، بعدها ارتش آزاد سوریه را شکل دادند؛ سوم اینکه زمینه مداخلات خارجی فراهم شد و اعتبار حکومت اسد به سرعت افول کرد؛ چهارم اینکه سرکوب گسترده موجب تقویت گروه‌های رادیکال اسلامی شد که از نظر ایدئولوژیک، قابلیت بیشتری برای مقابله و جنگ با حکومت اسد داشتند. (نیاکویی، ۱۳۹۳: ۷۳) در مجموع آنچه که به کمک حکومت اسد آمد، چندپارگی‌های عمیق در جامعه و میزانی از حمایت از حکومت در برخی اقلیت‌ها بود. عمده اقلیت‌های مذهبی به ویژه علویان، مسیحیان و دروزی‌ها به دلایل تاریخی و همچنین متأثر از ماهیت سکولار حکومت و هراس از جریان‌های مختلف اسلام‌گرای رادیکال به حمایت از حکومت اقدام کردند. همچنین عدم یکپارچگی و اتحاد میان اپوزیسیون اسد که متشکل از داعش، شاخه سوری اخوان و دیگر گروه‌ها بود که حتی عملیات‌های نظامی علیه یکدیگر انجام می‌دادند، نیز باعث شد تا حکومت از این شرایط منتفع شود.

۲-۳. کنش ارتش: پایداری هسته اصلی ارتش در کنار برخی ریزش‌ها

برای فهم کنش ارتش سوریه در مقابله با اعتراضات و جنگ داخلی سوریه، باید ساختار ارتش و نوع ارتباط آن با جامعه را مورد بررسی قرار داد. ارتش سوریه در دوران اسد مبتنی بر نظام وظیفه اجباری بود این بدان معنی است که در سربازان وظیفه، حدود ۷۰ درصد از اهل سنت می‌باشند. اگرچه حضور اهل سنت در سربازان وظیفه چشمگیر است، اما ساختار به گونه‌ای طراحی شده بود که در میان سربازان



حرفه‌ای و گروه افسران، تعداد علوی‌ها بسیار بیشتر بود. تخمین زده می‌شد که ۷۰ درصد سربازان حرفه‌ای و ۸۰ الی ۹۰ درصد افسران از علوی‌ها بودند. از سویی دیگر، ارتش سوریه در دوران اسد کاملاً در زمره ارتشهای غیرنهادمند تقسیم‌بندی می‌شود. ارتش نهادمند، غیرسیاسی بوده، از فساد دور است و کارکرد خود که دفاع از مرزها است را انجام می‌دهد. در این ارتشها، استخدام و ارتقا براسا شایستگی حرفه‌ای می‌باشد. در مقابل در ارتشهای غیرنهادمند، ارتش سیاسی بوده و ابزار سرکوب است. همچنین استخدام و ارتقا مبتنی بر وفاداری و پیوندهای قومی و خونی یا ایدئولوژیک با نظام حاکم است و نه شایستگی حرفه‌ای. گفته می‌شود که ارتشهای نهادمندی که ارتباط قوی با جامعه دارند، در واکنش به جنبشهای اعتراضی دست به سرکوب زده و بی‌طرفی یا همراهی با مردم را انتخاب می‌کنند. (Lutterbeck: 2011) در مواردی که ارتش ارتباطی با جامعه ندارد (ارتش مزدور و یا استخدام ارتش از قبایل یا گروههای خاص) و نهادمندی ارتش نیز پایین است، ارتش به عامل سرکوب تبدیل شده و در مقابل جنبشها یا قیامها مقاومت می‌کند.

بررسی ارتش سوریه از یک سو حاکی از وجود ارتباط با جامعه است که متأثر از نظام وظیفه اجباری است. این عامل، تبیین‌کننده جدایی‌های قابل توجه از ارتش سوریه به ویژه در نواحی سنی‌نشین است که به طور سنتی با حکومت خاندان اسد چالش داشتند. این جریان‌ها متعاقباً ارتش آزاد سوریه را شکل دادند. از طرفی دیگر، نهادمندی پایین ارتش حاکی از آن است که در میان فرماندهان و رده‌های بالای ارتش، علوی‌ها و خاندان اسد و یا افرادی که ارتباطات دوستانه و فامیلی با طبقه حاکم داشتند، اکثریت مطلق را در دست داشتند که این عامل نیز حفظ و وفاداری هسته اصلی ارتش را تبیین می‌کند اگرچه برخی ریزشها در سطوح بالای ارتش نیز رخ دادند. در واقع، انسجام و انگیزه نیروهای نظامی و امنیتی سوریه به‌ویژه افسران ارشدی که بیشترشان از اقلیتهای علوی سوریه بوده و تغییر رژیم را یک تهدید وجودی برای خود تلقی می‌کردند (Grewal, 9 December 2024)، بخشی از دلیل بقای اسد در سال ۲۰۱۱ بود. در سوریه تجانس و انسجام اجتماعی پایین بود و ارتش این کشور پیوندهای ارگانیکی با رژیم اسد داشت و منافع فراوانی را از این پیوند به دست آورده بود. برای نظامی‌های علوی که ستون فقرات رژیم اسد و دستگاه نظامی اطلاعاتی این کشور را در دست داشت، هر گونه تغییر سیاسی می‌توانست موقعیت و جایگاه آنها را متزلزل کند. (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۴۷) همچنین حکومت در سالهای



جنگ داخلی، تلاش وافری برای حفظ رضایت نظامیان از نظر اقتصادی به خرج داد. البته همانطور که در صفحات بعدی خواهیم گفت، فساد فراگیر، بحران‌های اقتصادی عمیق و افت ارزش پول باعث شدند که با گذشت زمان موقعیت اقتصادی ارتش نیز تضعیف گردد.

۳-۳. عوامل بین‌المللی: نقش تعیین‌کننده حامیان قدرتمند خارجی و تغییر توازن قدرت به نفع اسد بعد از ۲۰۱۶

اهمیت ژئوپلیتیکی سوریه همواره باعث می‌شود تا بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی برای گسترش حوزه نفوذ خود با نقش‌آفرینی در تحولات این کشور، نتایج بازی قدرت را به سمت آنچه منافع خودشان ایجاد می‌کند، تغییر دهند. با گسترش اعتراضات در سوریه و مقابله دولت با مخالفین، نقش بازیگران خارجی نیز در این تحولات نمایان شد. کشورهایی چون ترکیه و قطر از یکسو در حمایت از اخوان المسلمین و از سوی دیگر عربستان و امارات متحده عربی در حمایت از دیگر مخالفین اسد، با کمک‌های مالی و تسلیحاتی خود، در مخالفت با دولت اسد اقدام کردند و از سوی دیگر ایران با متحدان خود و روسیه به‌عنوان اصلی‌ترین حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی اسد نقش تأثیرگذاری در تحولات این کشور ایفا کردند. در این دوره زمانی، حکومت سوریه که خود را برای مقابله با مخالفانی که مورد حمایت ترکیه و قطر و عربستان بودند، ناتوان می‌دید، بیش از پیش از ایران و حزب‌الله لبنان کمک گرفت و در عین حال تلاش نمود تا با بهره‌گیری از شکافهای فرقه‌ای، حامیان بیشتری را برای خود بسیج نماید. در این راستا حکومت سوریه بسیج مردمی را شکل داد که اگرچه از مذاهب گوناگون در میان آنها یافت می‌شد، اما عمده نیروهای آن مسیحیان؛ علوی‌ها و سایر اقلیتها بودند. حضور پررنگ جوانان علوی در بسیج مردمی کاملاً نمایان بوده است. باید توجه داشت که با قدرت‌گیری جریان‌های رادیکال اسلامی مانند داعش و النصره، خشونت علیه علوی‌ها، مسیحیان و سایر اقلیتها نیز گسترش یافت که همین عامل شکافهای فرقه‌ای را پررنگ‌تر کرده و حمایت اقلیتها از حکومت اسد را تشدید کرد. از سوی دیگر حکومت اسد علی‌رغم شکل‌گیری بسیج مردمی، حمایت نظامی ایران و حزب‌الله لبنان و همچنین حمایت دیپلماتیک و پشتیبانی نظامی غیرمستقیم روسیه روز به روز ضعیف‌تر شده و مناطق بیشتری را از دست می‌داد، طوری که در سپتامبر ۲۰۱۵ کمی بیش از ۲۰ درصد قلمروی سوریه در کنترل حکومت اسد بود و جز دمشق، طرطوس و برخی نواحی لاذقیه عملاً معارضان در سایر نواحی قدرت خود را



تثبیت کردند. داعش در رقه مرکز خلافت اسلامی را تشکیل داده بود و اکراد نیز مناطق قابل توجهی را در کنترل داشتند؛ حمص، درعا، حلب، ادلب، حماه و بسیاری مناطق دیگر کاملاً از کنترل حکومت اسد خارج شده بودند (خبرگزاری جمهوری، ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸).

در این دوره جمهوری اسلامی ایران به عنوان اصلی ترین همپیمان سوریه حمایت همه جانبه خود را از دولت اسد اعلام کرد و با ارسال تسلیحات نظامی، کمک های مالی و اعزام نظامیانی که از شاخه فرامرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحت عنوان نیروی قدس فرستاده بود، هم در عرصه و میدان جنگ و هم آموزش های تخصصی و پیشرفته ای که برای ارتش و سربازان سوری در پیش گرفته بودند، تأثیر گسترده ای به نفع دولت سوریه داشت. در کنار نیروهایی که از ایران به سوریه اعزام شده بودند، ایران توانست با تشکیل بسیج گسترده در سوریه و همچنین نیروهای فرامرزی که از شیعیان منطقه از جمله حشد الشعبی عراق، فاطمیون افغانستان، زینیون پاکستان و به خصوص حزب الله لبنان تشکیل دهد، بخش زیادی از جبهه مقدماتی جنگ در سوریه را تکمیل کند. با وجود آنکه حضور حزب الله لبنان از همان اوایل جنگ سوریه قابل مشاهده بود، اما تغییر چشمگیر نقش آن را می توان از اوایل بهار ۲۰۱۳ دید. سید حسن نصرالله در ماه آوریل ۲۰۱۳ طی سفری که به تهران داشت با مقامات اسد ایران از جمله رهبر انقلاب، و فرمانده نیروی قدس سردار سلیمانی دیدار کرد که به نظر در رابطه با مسائل سوریه بوده باشد.

منافع سیاسی حزب الله عمیقاً با منافع ایران و رژیم اسد مرتبط بود. ثبات رژیم سوریه و شکست هر یک از اجزای مخالفان مسلح سوریه اولویت تهران و حزب الله بود. از این جهت حزب الله از دمشق از لحاظ نظامی، فنی، لجستیکی علیه گروه های مخالف مسلح سوریه حمایت کرد. حزب الله به آموزش شبه نظامیانی که برای رژیم سوریه می جنگیدند و به ویژه کمیته های مردمی که متشکل از افراد، جوامع مذهبی مختلف از جمله علوی ها، سنی ها، دورزی ها و مسیحیان بودند، کمک می کرد. دیگر شبه نظامیان مانند گروه قوات الرضا که عمدتاً از شیعیان سوری تشکیل شده بودند، پیوندهای مستقیمی با حزب الله داشتند. شبه نظامیانی که با حمایت ایران و خود حزب الله لبنان تشکیل شده بودند، از جمله «حزب الله فی سوریه». توانسته بود با حمایت ایران ۱۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ شبه نظامی در سوریه را آموزش دهد و تجهیزات نظامی ارائه کند. همچنین حزب الله اردوگاه های آموزشی در نزدیکی شهر بعلبک در دره بقاع در نزدیکی مرز



سوریه افتتاح کرده بود تا جوانان جوامع مذهبی را آموزش دهد که البته اکثر کارآموزان شیعه بودند. این گروه به طور فزاینده‌ای دامنه فعالیت‌های خود را در سوریه با ایجاد شعبه‌ای از پیشاهنگان امام مهدی (عج) برای جوانان سوریه گسترش داده بود (Daher, 26 September 2017). آنچه که مشخص است، اهداف گسترده حزب‌الله با اهداف گسترده‌تر ایران مرتبط است. از زمان تأسیس حزب‌الله، ایران نقش مهمی در آموزش و تأمین مالی این گروه ایفا کرده است. از آغاز جنگ سوریه در سال ۲۰۱۱، ایران سطح بی‌سابقه‌ای از حمایت‌های سیاسی، مالی، سایبری و نظامی به دولت سوریه برای جلوگیری از سرنگونی رژیم اسد و ایجاد تعادل در برابر دشمنان اصلی خود از جمله ایالات متحده، اسرائیل و عربستان سعودی ارائه کرده بود. نیروی‌های اعزام شده از ایران در پایگاه هوایی و فرودگاه الشعیرات در حمص، پایگاه الکسوه در جنوب دمشق و میدان هوایی تپاس مستقر بودند (Jones, 20 June 2018).

نقش روسیه نیز زمانی در تحولات سوریه نمایان شد که شبح سقوط دمشق و قدرت‌گیری اسلام‌گرایان افراطی و همچنین مشاهده مواضع انفعالی دولت اوباما در خاورمیانه، روسیه را برآن داشت در اواخر سپتامبر ۲۰۱۵ به حمایت نظامی وسیعی از حکومت اسد مبادرت کند (زیبایی، سیمبر و جانسیز ۱۳۹۸: ۱۲۴) و حملات هوایی بی‌سابقه‌ای را علیه مخالفان رژیم سوریه انجام دهد. با حمایت نظامی وسیع روسیه از یک طرف و عدم نقش‌آفرینی جدی ایالات متحده برای موازنه با روسیه در سوریه، پیشروی‌های حکومت اسد آغاز شد و در سالهای ۲۰۱۶ به بعد مناطق مهمی به ویژه حلب مجدداً به کنترل حکومت سوریه در آمد. داعش نیز از مناطق مختلف به عقب رانده شد. از یکسو ارتش سوریه با حمایت روسیه داعش را از دیرالزور و برخی مناطق دیگر عقب راند و از سوی دیگر گروه‌های کرد با حمایت ایالات متحده، داعش را از پایتخت خود یعنی الرقه بیرون راندند. پیروزی‌های ارتش سوریه با حمایت ایران و روسیه تا سال ۲۰۲۰ تداوم یافت و حتی مخالفان از پایگاه خود در درعا نیز عقب‌نشینی کردند.

روسیه که درگیری نظامی خود را در سوریه در حمایت از اسد در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ آغاز کرد، در حالی که ابتدا مدعی بود که به اصطلاح دولت اسلامی را هدف قرار داده است، اما کمی بعد مشخص شد که مناطق تحت کنترل شورشیان سوریه کانون اصلی حملات آن بود. این عملیاتها در نهایت بازگشت بیشتر مناطق سوریه به کنترل دولت را رقم زد... به گفته دیدبان حقوق بشر سوریه مستقر در بریتانیا، تنها یک سال پس از حملات گسترده هوایی روسیه به سوریه، بیش از ۹ هزار نفر از جمله نزدیک به ۴ هزار



غیرنظامی در سوریه کشته شدند و ۲۰ هزار غیرنظامی دیگر در حملات هوایی یکسال روسیه زخمی شده بودند. هر چند دمتری پسکوف، سخنگوی کرملین به خبرنگاران گفت که اطلاعات سازمانی مستقر در بریتانیا در مورد آنچه در سوریه روی می‌دهد را مورد اعتماد نمی‌داند (Aljazeera, 30 september 2016). در مجموع، تلاش روسیه و سوریه برای فتح ادلب باعث آوارگی صدها هزار نفر و همچنین گسترش تنش بین سوریه و ترکیه و زد و خورد نظامی این دو کشور شده بود. به هر حال جنبش اعتراضی مردم سوریه که در ابتدا مانند تونس و مصر مسالمت‌آمیز آغاز شده بود، پس از جنگ داخلی طولانی مدتی که صدها هزار کشته و میلیون‌ها آواره برجای گذارد و زیرساختهای کشور را به نابودی کشاند، عملاً ناکام ماند و حکومت سوریه با همراهی و نقش تأثیرگذار حامیان خارجی موفق به سرکوب شورشیان شده بود.

به طور کلی زمینه جنگ داخلی در سوریه را با توجه به چندپارگی‌های اجتماعی و فرقه‌ای در این کشور می‌توان تبیین کرد. در واقع جامعه سوریه براساس شکافهای فرقه‌ای و مذهبی، چندپاره بوده و مدعیان مختلف قدرت، از حمایت‌های اجتماعی مختلفی برخوردار بودند. در ارتش سوریه نیز اگرچه جدایی‌های قابل توجهی رخ داد که منجر به شکل‌گیری ارتش آزاد سوریه شد اما هسته اصلی ارتش حفظ شد و این سازمان کاملاً فرونپاشید. کنش ارتش سوریه را نیز با توجه به دو عامل میزان ارتباط ارتش با جامعه و نهادمندی پایین می‌توان تبیین کرد. در نهایت، اسد از حمایت تعیین‌کننده بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مهمی (روسیه، ایران و حزب الله لبنان و سایر گروه‌های بسیج شده شیعی) برخوردار بود که به ویژه در سالهای پس از ۲۰۱۶ توانستند موازنه قوا در داخل کشور را به نفع او تغییر دهند.

۴. زمینه‌های ناگهانی سقوط رژیم اسد

علی‌رغم اینکه رژیم اسد توانسته بود با نقش‌آفرینی و حمایت اقلیت‌های داخلی، حمایت ارتش و سرکوب گسترده مخالفان و نقش تأثیرگذار و حمایت همه‌جانبه بین‌المللی، مخالفان را شکست دهد، اما موج ناراضیاتی همچنان وجود داشت و بخش‌های قابل توجهی از سوریه تنها در ظاهر در کنترل دولت دمشق بود. در طول چندین سال جنگ داخلی، ویرانی‌های گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف زیرساخت، منابع ضروری، تسلیحات، سوخت، آب، بهداشت و بسیاری دیگر از حوزه‌ها به وجود آمده بود و کمبودهای شدیدی در همه زمینه‌ها وجود داشت. بخش قابل توجهی از مردم در اثر تخریب منازل



و از دست دادن زندگی خود، آواره شده بودند تا جایی که امید به زندگی به پایین‌ترین حد خود در طول دهه‌های گذشته رسیده بود. در این میان و در نهایت استیصال دولت و جامعه، در اواخر دسامبر ۲۰۲۴ با پیشروی سریع معارضان تحت رهبری گروه تحریر الشام، در کمتر از ۱۲ روز، رژیم اسد با فروپاشی مواجه شد. هر چند سرعت تحولات در کمتر از دو هفته منتهی به سقوط رژیم جامعه جهانی را با شگفتی و حیرت مواجه کرد، اما با نگاهی دقیق به مسائل سوریه در ابعاد داخلی و خارجی، وقوع چنین اتفاقی، دور از انتظار نبود. از این جهت در این بخش سعی می‌شود با نگاهی ژرف به تحولات سوریه پس از جنگ داخلی، اصلی‌ترین عوامل مؤثر در سقوط ناگهانی رژیم اسد را طبق چارچوب استفاده شده در مقاله فوق مورد واکاوی قرار دهیم و مانند بخش قبلی نقش و جایگاه فراگیری جنبش و حمایت داخلی، کنش ارتش و عوامل بین‌المللی را در سقوط رژیم سوریه تبیین کنیم.

۴-۱. سیر قهقرایی مشروعیت و حمایت اجتماعی از حکومت اسد

با تحولات و پیشروی گروه تحریر شام به سمت مواضع رژیم اسد، دیگر مانند دوره اول بحران در سوریه، هیچ سوری حاضر به فداکاری برای رژیم نبود و یا چنین اقدامی به سادگی امکان‌پذیر نبود. مردم با مشاهده پیشرفت سریع نیروهای مخالف حکومت در درعا و سویدا در جنوب، به سرعت قیام کرده و رژیم را به خواست خود از مناطق بیرون کردند (Hall and Hiltermann, 9 December 2024). امتناع اسد از مشارکت در اصلاحات سیاسی معنادار و ایجاد صلح در سطح داخل، آسیب‌پذیری رژیم او را تشدید کرد. او همواره قدرت شخصی را بر ثبات ملی اولویت می‌داد و فرصت‌های گفتگو با نیروهای مخالف یا میانجی‌های بین‌المللی را نادیده می‌گرفت (MENA Task Force, 10 December 2024).

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۱، اسد با ۹۵ درصد آرا پیروز و برای چهارمین بار به‌عنوان رئیس‌جمهور سوریه انتخاب شد اما اپوزیسیون و مخالفان این انتخابات را کاملاً فرمایشی می‌دانستند. در همین دوره بحران اقتصادی، مشکلات زیادی را برای جامعه سوریه در بر داشت که اعتراضات گسترده‌ای در قلمرو تحت کنترل حکومت شکل گرفت (BBC, 17 June 2010, Updated 9 December 2024). اما نه تنها حکومت در پس اصلاح ساختارهای اشتباه اقتصادی و سیاسی بر نیامد و از اعتراضات و نارضایتی‌های سال‌های گذشته درس نگرفت، بلکه عامل مشکلات را بحران مالی ۲۰۱۹ لبنان که بر اقتصاد سوریه تأثیر گذاشت و تحریم‌های غرب عنوان کرد. در این دوره حتی بخشی از علویان هم از



مشکلات و رنج‌های اقتصادی معترض بوده و انتقاد داشتند. از این جهت همانطور که مشخص است، بر خلاف موج اعتراضات دوره قبلی که بخشی از پایگاه اجتماعی اسد همچنان برقرار بود و تجمعاتی نیز به طرفداری او برگزار می‌شد، در این دوره او پایگاه اجتماعی خود را از دست داده و بسیار منفور شده بود. تا جایی که هیچ حرکت مؤثری از سوی جامعه برای مقابله با گروه‌های مخالف در طول دو هفته منتهی به سقوط، در حمایت از اسد و رژیم آن شکل نگرفت.

بسیاری از سوری‌ها بر این باور بودند که برای چندین نسل، متولی سرنوشت خود نبودند. در دوران حکومت خاندان اسد و اطرافیان آنها، همه چیز به غارت نخبگان سیاسی حاکم می‌رفت. هر چند از زمان مرگ حافظ اسد و روی کار آمدن بشار، وی وعده اصلاحات داده بود که برخی از مردم حتی تا سال ۲۰۱۱ نیز امیدوار به اصلاحات بودند اما زمانی که اعتراضات با سخت‌ترین واکنش از سوی حکومت مواجه شد، هر کس که مخالف رئیس، خانواده یا نزدیکان و معاونانش بود، به راحتی حذف می‌شد (Bowen, 9 December 2024). کمتر از دو سال پس از دور اول شورش‌ها در سوریه، فرصت‌های جدیدی برای انباشت سرمایه و صورت‌بندی مجدد طبقاتی شامل نفت، قاچاق، تجارت آثار باستانی، تجهیزات نظامی و سایر کالاها، مالیات‌های منحصر به فرد و باجگیری پدید آمد که قدرت بازیگران کسب و کارهای جدید شامل جنگ‌سالاران در مناطق تحت کنترل شورشیان و طرفهای تجاری مختلف در قلمروهای تحت کنترل رژیم و کردها را افزایش داد (اجل، حداد و ابوالمغد، ۱۴۰۱: ۴۲-۴۱). دولت برای جبران بحران اقتصادی که نتیجه جنگ داخلی و تحریم‌های بین‌المللی بود، به تولید و قاچاق ماده مخدر کاپتاگون روی آورده بود. تا جایی که ارزش مالی آن در سال ۲۰۲۱ حدود ۵.۷ میلیارد دلار تخمین زده شد که چندین برابر بیشتر از صادرات قانونی سوریه است که ارزش آن تنها ۸۶۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۰ بوده است. در این دوره کاپتاگون ارزشمندترین کالای صادراتی سوریه شد و میلیاردها دلار سود برای شبکه‌ها و افراد همسو با رژیم در رهبری دستگاه‌های امنیتی، بخش تجاری و نخبگان حاکم در سوریه یا حتی اعضای خانواده اسد فراهم کرده بود. ماهر اسد برادر بشار و فرمانده لشکر چهارم، یکی از بازیگران کلیدی شناخته شده‌ای بود که با حفاظت از محموله‌ها در لاذقیه سود می‌برد (Vorobyov, 18 December 2024). از ۲۰ آگوست ۲۰۲۳ اعتراضات علیه رژیم اسد در استان سویدا که بیشترین میزان اقلیت دروزی‌ها در آن هستند، آغاز شد. این اعتراضات خواستار تغییر رژیم سوریه



بود و معترضان از حقوق سیاسی، مدنی، و بشری برای همه سوری‌ها حمایت می‌کردند. آزادی زندانیان، اعتراض به اوضاع وخیم اقتصادی از جمله کمبود سوخت، برق و دارو بخشی از مطالبات بود. مردم بر این باور بودند که رژیم علاقه‌ای به راه حل سیاسی که منجر به واقعیت جدیدی برای سوری‌ها بشود تا امکان بازسازی و لغو تحریم‌ها را فراهم کند، نداشت. این اعتقاد با این واقعیت تقویت می‌شد که رژیم قراردادهایی را اعطا می‌کرد که به روسیه و ایران امکان دسترسی به منابع کشور را می‌داد (Flihan, 5 September 2023). هم‌صدا با اعتراضات سویدا، مردم درعا نیز که همسایه سویدا هستند و قبلاً پایگاهی برای نیروهای مخالف اسد شده بودند، در مقابل مسجد تاریخی اموی در شهر درعا تجمع کردند و پرچم انقلاب سوریه را به اهتزاز درآوردند و خواستار آزادی بازداشت‌شدگان و سرنگونی رژیم شدند (Haj Suleiman and Hezaber, 21 August 2023). با آنکه در سال ۲۰۱۸ تحت توافق روسیه با جنگجویان شورشی، درعا به کنترل دولت بازگشت اما از آن زمان تاکنون تحت تأثیر ناامنی و شرایط وخیم اقتصادی قرار داشت. شروع این دور اعتراضات پس از پایان دادن به یارانه سوخت توسط دولت آغاز شده بود و ضربه سنگینی به سوری‌هایی که سال‌ها جنگ و بحران اقتصادی را پشت سر گذاشتند وارد کرده بود (the Guardian, 25 August 2023). این موج اعتراضات نه تنها دولت را از مسیر اشتباه خود آگاه نکرد بلکه رژیم با تحریک رسانه‌ای، مردم را به خیانت و سودجویی متهم کرد و اعلام داشت که معترضان خواهان ایجاد تفرقه بین سوری‌ها هستند. چنین نگرش منفی نسبت به منتقدانی که در بدترین روزهای زندگی خود در چند دهه اخیر قرار داشتند، نه تنها دیگر باعث تفرقه میان جریان‌های مختلف قومی و مذهبی نمی‌شد، بلکه هم آنها را برای اتحاد بیشتر علیه رژیم دور هم جمع و هم نسبت به سیاست‌های اسد رادیکال‌تر می‌کرد.

در مجموع باید گفت که عوامل متعددی در وضعیت وخیم و بحرانی اقتصادی سوریه نقش داشتند که عبارتند از؛ جنگ و تخریب صنعت مرتبط با آن، فروپاشی اقتصادی در کشور لبنان که باعث بزرگترین فروپاشی ارز سوریه در سال ۲۰۱۹ شد، فساد گسترده و سوء مدیریت و تأثیر تحریم‌های غرب (Makki, 16 August 2023). در گزارش سال ۲۰۲۳ مرکز عدالت و پاسخ‌گویی سوریه برآورد شد که شرایط فقر و مشکلات اقتصادی در این کشور به قدری زیاد است که راه دسترسی به سوخت به سختی امکان پذیر خواهد بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان توضیح داد که بسیاری از خانواده‌ها مجبور شده‌اند با کفش‌های



کهنه، جمع‌آوری و سوزاندن مقوا و پلاستیک خود را گرم کنند و غذا بپزند. هر چند استنشاق این دودهای سمی باعث ایجاد مشکلات سلامتی حتی در کوتاه مدت می‌شد. مراقبت‌های پزشکی نیز بسیار غیرقابل دسترس است چرا که در طول دوازده سال جنگ داخلی، سیستم بهداشت و درمان کشور تا حدود زیادی نابود شده بود. (Syria Justice And Accountability Centre, February 2023).

از سال ۲۰۱۱، تولید ناخالص داخلی سوریه به میزان ۸۷ درصد کاهش یافته است، پول این کشور بیش از ۹۹ درصد ارزش خود را از دست داد و تورم کالاهای مصرفی اساسی بیش از ۳۰۰ درصد افزایش داشته است. وخامت شرایط اقتصادی و اجتماعی در سوریه با تحریم‌های شدیدتر، افزوده شده است. بسیاری از مشاغل مجبور به تعطیلی شدند که در چنین شرایطی، کار غیرقانونی و زنجیره تأمین مخفی ظاهر شد و فساد عمیقاً در سازمان‌های عمومی ریشه دوانیده بود (Wafai, 13 December 2024). کاهش ارزش پول سوریه به طور مداوم ارزش واقعی حقوق در بخش دولتی که ستون فقرات بازار کار در سوریه بود را کاهش داده بود. در نوامبر ۲۰۱۹ دولت سوریه دستمزدها را به میزان ۲۰۰۰۰ پوند برای بخش دولتی افزایش داده بود که پایتترین مقیاس حقوق به ۴۷۶۷۵ پوند رسیده بود. در حالی که در مجموع ارزش پوند کاهش پیدا کرده بود به این معنی که حقوق‌هایی که ارزشی برابر با ۵۲ دلار داشتند در این دوره به ۲۲ دلار در ماه رسیده بودند (Coar Global, 30 September 2020). حسین عرنوس، نخست وزیر وقت سوریه از سپتامبر ۲۰۲۰ تا سپتامبر ۲۰۲۴، در هفتمین اجلاس اتحادیه اصناف اعلام کرد قادر به یافتن هیچ راه حلی برای رسیدگی به دستمزد پایین کارمندان در مؤسسات و ادارات این رژیم نیستند. در چنین شرایطی مناطق تحت کنترل رژیم اسد شاهد استعفای صدها نفر از کارمندان این رژیم به دلیل پایین بودن دستمزدها بودند (Levant24, 8 September 2022).

هر چند قبل از انقلاب سوریه، کار دولتی به‌عنوان گزینه مطلوب برای دستیابی به امنیت شغلی تلقی می‌شد، اما در اواخر عمر دولت، کاهش شدید ارزش پوند و استاندارد پایین زندگی کارکنان بخش دولتی، شغل بلند مدت دولتی را بیشتر به یک دام تبدیل کرده به طوری که قراردادهای کوتاه مدت سالیانه برای کارکنان گزینه بهتری بود. معلمی با نام ابومحمد در سال ۲۰۲۱ پس از ۱۶ سال تدریس در مدرسه دولتی در شهر درعا از کار خود بیرون آمد. او گفت حقوقش ۱۳۰۰۰۰ پوند سوریه بود که در آن زمان ارزشی حدود ۳۵ دلار داشت که برای پول سیگارش نیز کافی نبود (Nofal, 21 May 2024). البته لازم به ذکر



است که نه بازیگران مسلح و نه کارمندان بخش دولتی، برای امرار معاش صرفاً به حقوق پایه متکی نبودند؛ برای اولی دسترسی به فعالیت‌های اقتصاد جنگی از طریق کنترل بر پست‌های بازرسی، مسیرهای قاچاق یا شبکه‌های مواد مخدر منابع درآمد اضافی فرض می‌شد و پاداش‌هایی که اغلب به خاطر ماموریت‌های رزمی دریافت می‌کردند نیز تأثیرگذار بود. برای کارمندان دولتی نیز رشوه و فعالیت‌های درآمدزای ثانویه نیز رایج بود (Coar Global, 30 September 2020). در ارزیابی منتشر شده ماه می ۲۰۲۴ از سوی بانک جهانی، رفاه خانوار، تجارت، کشاورزی، و تولید سقوط قابل توجهی داشته است. بیش از ۹۰ درصد مردم سوریه در فقر زندگی می‌کنند و رژیم نیز با کاهش یارانه‌ها و تشدید کنترل خود بر اقتصاد بر مشکلات عادی مردم سوریه افزوده بود (Shaar and Heydemann, 26 August 2024).

طبق گزارشی که سازمان ملل در آغاز سال ۲۰۲۳ ارائه کرد، ۱۵.۳ میلیون نفر در داخل سوریه به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند که این آمار بالاترین رقم از زمان شروع جنگ است. همچنین ۱۲ میلیون نفر نمی‌دانستند که وعده غذایی بعدی‌شان از کجا باید تأمین شود. آسیب‌پذیری بالای سوریه در زمان کرونا نیز باعث شد تا این کشور بیشترین خسارت‌ها را در بین کشورهای خاورمیانه محتمل شود، اگر چه میزان واقعی آن به دلیل آزمایش‌های محدود مشخص نیست (BBC, 2 May 2023). در بحبوحه مشکلات که سوریه در راستای جنگ داخلی، کرونا، وخامت بحران اقتصادی و فساد با آن مواجه بود، حتی طبیعت نیز از نجات سوریه امتناع کرد و زلزله‌ای به بزرگی ۷.۸ ریشتر شمال این کشور و همچنین مرکز ترکیه را در فوریه ۲۰۲۳ لرزاند. گمان می‌رود بین شش تا هشت هزار نفر در سوریه کشته شده باشند. این زمین لرزه تنها در سوریه هزاران ساختمان را با خاک یکسان کرد و سازمان ملل تخمین زد که دست کم یازده هزار سوری خانه‌های خود را از دست دادند (Laub, 20 December 2024). فاجعه فوق در زمانی به وقوع پیوست که قیمت مواد غذایی و سوخت در سوریه به دلیل تورم سرسام آور و سقوط پول آن و همچنین بحران جهانی غلات که با جنگ در اوکراین تشدید شده بود، بیشتر نیز شده است. هر چند در چنین شرایطی انتظار می‌رفت بازیگران بین‌المللی، منطقه‌ای و سازمان‌ها کمک‌های بشردوستانه‌ای به سوریه و مردم آن داشته باشند، اما بنا به دلایل مختلفی چون تحریم‌ها و منفور بودن حکومت اسد، به غیر از کمک‌های مؤثری از سوی چند کشور خاص، سوریه نتوانست مورد حمایت گسترده بین‌المللی قرار بگیرد، در صورتی که خسارات وارد شده به ترکیه توسط همین زلزله موج گسترده‌ای از کمک‌ها را روانه این کشور کرده بود. در مصاحبه‌ای که رسانه کردی رووداو از محمد جلالی، آخرین نخست وزیر



حکومت اسد داشته است، وی شرایط وخیم، بحرانی اقتصادی و فساد ساختاری را اصلی‌ترین دلایل سقوط رژیم عنوان کرد. وی از شرایط بحرانی اقتصادی گفت که حقوق او در منصب نخست وزیری نزدیک به دو میلیون لیره سوری برابر با ۱۴۰ دلار و حقوق وزرا نیز یک میلیون لیره معادل ۷۰ دلار بود. حقوق کارمندان و سربازان نیز به ترتیب ۲۰ دلار و ۱۷.۵ دلار بوده است. در بخش بعدی مصاحبه عنوان کرد که در زمان سقوط اسد تنها چیزی حدود ۱۰۰ میلیون دلار در بانک مرکزی ذخیره باقی مانده بود که آن هم نه دلار بلکه لیره سوری بود. در رابطه با تولید برق نیز گفت کاهش تولید از ۸۰۰۰ مگاوات قبل از جنگ به ۱۰۰۰ مگاوات در دوره اخیر رسیده بود که سوریه با کمبود ۷۰۰۰ مگاواتی مواجه است (احمد، ۲۴ دسامبر ۲۰۲۴). با وجود آنکه سوریه بزرگترین تولید کننده انرژی در میان همسایگان شرقی خود، لبنان، ترکیه اردن و فلسطین بود، در سال ۲۰۱۰ مجله نفت و گاز، ذخایر گاز سوریه را ۸.۵ تریلیون فوت مکعب و ذخایز نفت خام را ۲.۵ میلیارد بشکه تخمین زدند. به گفته منابع دولتی سوریه دارای منابع نفت شیل است و ذخایر آن از اواخر سال ۲۰۱۰ حدود ۵۰ میلیارد تن برآورد شده بود. با این حال سرمایه‌گذاری نفت شیل با وقوع جنگ داخلی در سال ۲۰۱۱ به تعویق افتاد. بین سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ نفت سوریه به طور متوسط ۴۰۰ هزار بشکه در روز بود اما با شروع اعتراضات، انرژی سوریه به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و آسیب به زیرساخت‌ها تأثیر منفی بر تولید، درآمد و مصرف داخلی گذاشت. همچنین دسترسی به برق یکی از ده نیاز اولویت‌دار گزارش شده توسط سوری‌های آسیب‌پذیر در ارزیابی نیازهای چندبخشی سازمان ملل در سه سال گذشته گزارش شد. در سال ۲۰۲۱ دسترسی به برق به سومین اولویت در میان خانوارهای مورد بررسی رسیده بود (Fuad Alhaj et al, 2023: 1-2).

جنگ داخلی طولانی مدت زیرساخت‌های سوریه از جمله نیروگاه‌های و خطوط لوله انرژی را تحت تأثیر قرار داد و منجر به قطع برق تا ۲۰ ساعت در طول شبانه روز می‌شد. از زمان جنگ داخلی منابع نفت و گاز در شمال کشور در کنترل دولت نبود و تحریم‌های اعمال شده نیز مانع از واردات آزاد منابع می‌شد. برآورد حدودی زبانی که از بخش انرژی به اقتصاد سوریه از زمان جنگ داخلی وارد شده است احتمالاً عدد بسیار هنگفتی باشد. عدم پایداری صنعت برق بخش زیادی از کسب و کارهای اینترنتی و دانشجویان را برای دسترسی بهتر به برق، اینترنت و گرما، به کافه‌های در سطح شهر کشانده بود که از موتورهای سیار برق استفاده می‌کردند. تا حدودی چنین اقدامی در طول چند سال گذشته به یک سبک زندگی تبدیل شده است. در مجموع اینکه اگر چه سقوط رژیم اسد برای بسیاری امری سریع بود که موجب شگفتی شد، اما با درک حداقل تحولات داخلی سوریه نیز امری دور از انتظار نمی‌توانست باشد.



در واقع، ناکارآمدی و فساد در کنار تحریمها به سطحی رسیده بود که دیگر برای بسیاری غیرقابل تحمل بود. این بحرانها عملاً لایه‌های مختلف جامعه از جمله اقلیتها که پیشتر حامی اسد بودند را نیز آزرده و از رژیم دور کرده بود. گذشته از اینها، هیات تحریر شام و جولانی به طور خاص مدام بر این موضوع تاکید می‌کردند که ما همه سوری هستیم و همه اقلیتها در نظام جدید مورد احترام و محافظت قرار خواهد داشت. این گفتمان نیز هراس در میان اقلیتها را کمتر و محدودتر می‌کرد. باید توجه داشت که وضعیت اقتصادی و حقوقها در ادلب که تحت کنترل معارضین بود بسی بهتر از وضعیت دمشق و سایر نقاط کشور بود و این عامل خود بر نارضایتی مردم از اسد دامن می‌زد. همچنین وابستگی مفرط اسد به بازیگران خارجی و تصویر یک حکومت کاملاً دست‌نشانده، نیز ناسیونالیسم سوری را بیش از پیش علیه حکومت اسد برمی‌انگیخت.

۲-۴. فرسایش شدید توان و انگیزه ارتش

ارتش یکی از مهم‌ترین نهادهای دولتی محسوب می‌شود که از بسیاری جهات، ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور و نیز استحکام کل نظام دولتی و توانایی آن را برای بقا، تعریف و تضمین می‌کند. این امر به ویژه در خاورمیانه صادق است؛ منطقه‌ای که نقش پراهمیت ارتش فراتر از قلمرو نظامی بوده و همواره بر تحولات سیاسی تأثیر می‌گذارد. نقش بارز ارتش در رژیم خاندان اسد که بیش از نیم قرن در سوریه حکومت کرد نیز همواره امری مهم تلقی می‌شد تا جایی که آخرین تأثیرگذاری آن را در سقوط رژیم سوریه شاهد بودیم که بر خلاف بحران‌های مراحل قبلی به ویژه در دوران جنگ داخلی پس از ۲۰۱۱ که با سرکوب گسترده جنبش باعث بقای اسد شده بود، در این مرحله بدون اقدام خاص و با عدم حمایت از رژیم، سقوط ناگهانی آن را سرعت بخشید.

تحلیل‌گران برای توضیح عدم مقاومت ارتش سوریه به فساد، بی‌انگیزگی و فرار از خدمت اشاره می‌کنند. در حالی که این عناصر در واقع وجود دارند، اما نه علت اصلی بلکه صرفاً پیامدهای چندپارگی و تضعیف نهادهای نظامی هستند که ناشی از کنترل آن توسط سرویس‌های اطلاعاتی سوریه بود که خود تکه تکه شده و از منطق دولت‌سازی تبعیت نمی‌کردند. ساختار اطلاعاتی سوریه بیشتر بر اساس منطق غارتگری، رقابت گروهی و معافیت از مجازات بود. سرویس‌های اطلاعاتی به‌نوعی خود را به‌عنوان قدرت اصلی در سوریه تثبیت کرده و برای دهه‌ها بر ارتش تسلط یافته بودند (Belhadj Klaz, 16 December 2024). اکثر سربازان نیز تمایلی برای جنگیدن به نفع رژیم نداشتند. طبق گزارش‌های موجود،



همزمان با پیشروی مخالفان، سربازان و افسران پلیس پست‌های خود را رها کرده، سلاح خود را تحویل می‌دادند و قبل از رسیدن مخالفان، فرار می‌کردند. از نظر نظامی نیز رژیم اسد در طول این سال‌ها به شدت ضعیف شده بود (Aljazeera Staff, 8 December 2024).

دیوید ریگوله رز^۱، کارشناس امور سوریه در مؤسسه فرانسوی امور بین‌الملل و استراتژیک در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه گفت؛ از سال ۲۰۱۱ ارتش سوریه از نظر نیروی انسانی، تجهیزات و روحیه با فرسایش شدیدی مواجه شد که طبق گزارش‌ها، سربازانی که دستمزد کمتری دریافت می‌کردند، منابع عمومی را برای گذران زندگی و زنده ماندن غارت می‌کردند و بسیاری از مردان جوان نیز از خدمت سربازی امتناع کرده یا از آن فرار می‌کردند. آخرین چهارشنبه قبل از سقوط رژیم، اسد در تلاشی ناکام برای تقویت ارتش در حال فروپاشی خود، دستور افزایش ۵۰ درصدی حقوق سربازان حرفه‌ای را صادر کرد اما با فروپاشی اقتصاد سوریه، حقوق سربازان تقریباً بی‌ارزش بود و این حرکت تأثیر چندانی در بقای رژیم نداشت (France 24, 8 Desember 2024). از دست دادن روحیه نظامیان باعث شده بود که آنها دیگر حاضر به نشان دادن مقاومت نمادین از خود نباشند. همچنین اتکای رژیم به حمایت خارجی مشروعیت آن را بیش از پیش از بین برده بود و دولت را به‌عنوان دست نشانده قدرت‌های خارجی تلقی می‌کرد. تا جایی که نظامیان خود را شهروندان و نظامی‌های درجه دو به شمار می‌آوردند که می‌بایست دستور فرماندهان خارجی که با اجازه اسد در سوریه حضور داشتند را به اجرا در می‌آوردند. همچنین فقدان عزم اسد و شوکه شدن از حرکت شورشیان نیز عامل دیگر است.

ارتش سوریه با از دست دادن بیش از ۱۰۰ هزار سرباز از سال ۲۰۱۱ به دلیل تلفات مداوم جنگی، فرار از خدمت، مشکلات روحی شدید و کمبود منابع، و همچنین با حملات مداوم اسرائیل به پایگاه‌هایش بیش از اندازه تضعیف شده بود در حالی که گروه‌های شورشی در چند سال گذشته به طور مؤثر آموزش داده شده، سربازی‌گیری کرده و بسیار آماده بودند (Siyech & Hadj-Cherif, 12 December 2024). ناظران در سوریه می‌گفتند شرایط وخیم اجتماعی و اقتصادی باعث شد تا سربازان در جنگ کنونی روحیه ضعیفی داشته باشند. صدها هزار مرد در سن جنگ برای اجتناب از سربازی به خارج از کشور گریخته بودند. چند روز پیش از فروپاشی رژیم، گروه‌های مخالف از اعضای اقلیت علوی خواستند از

¹ David Rigoulet-Roze



رژیم اسد فاصله بگیرند تا در معرض آسیب‌های شورشیان تحت رهبری اسلام‌گرایان قرار نگیرند یا با هیچ تبعیضی مواجه نشوند. گروه‌های شورشی به ارتش گفته بودند اشتباهات گذشته را کنار بگذارند تا بخشی از سوریه آینده باشند که فرقه‌گرایی را به رسمیت نمی‌شناسد (Kadour, 5 December 2024). با این حال وعده‌ای که شورشیان به ویژه الجولانی رهبر تحریر شام برای عفو عمومی و حکومت فراگیر داده بود، باعث شد تا اقلیت‌ها و به‌ویژه علویان و نخبگان نظامی بعد از اسد نیز آینده‌ای برای خود تصور کنند، چرا که تاکنون گروه نظامی تحریر شام، حقوق برابر برای همه سوری‌ها، تمرکززدایی و خودمختاری منطقه‌ای و عفو سربازان اسد را مطرح کرده است. در صورتی که پیش از این و به‌ویژه در دوره قبلی جنگ، بخش زیادی از حمایت‌های مردمی از اسد به دلیل ترس از حاکم شدن بنیادگرایان دینی بر سوریه و انتقام جویی بود. اما در این دوره وعده فوق توسط رهبر مخالفان اسد توانست اعتماد مردم و نظامیان را حداقل در مرحله ابتدایی به دست آورد. هر چند هنوز مشخص نیست که در آینده چه سرنوشتی در انتظار اقلیت‌های دینی از جمله مسیحیان، دروزیان و به‌ویژه علویان خواهد بود. به طور کلی، بی‌روحی سربازان و گریختن آنها؛ عدم انسجام واحدهای نظامی؛ ضعف رهبری و ساختار فرماندهی متأثر از فساد، ناکارآمدی، خویشاوندسالاری و تأثیر منفی آن بر توان عملیاتی ارتش برای مقابله با شورشیان؛ محدودیت منابع شامل مهمات و تسلیحات و سوخت، و تاکتیک‌های موفق گروه‌های شورشی در انجام حملات سریع و بهره‌گیری از پهبادها؛ شکل‌گیری نارضایتی و احساس زبونی و تحقیر ارتشیان در مقابل نظامیان خارجی در سوریه همگی بر فروپاشی سریع ارتش اسد تأثیر گذارد.

۳-۴. تغییر موازنه منطقه‌ای و بین‌المللی به زیان حکومت اسد

تا سال ۲۰۱۸، از نگاه ناظران خارجی، جنگ داخلی سوریه مدیریت و تا حد زیادی مهار شده بود. اما از تابستان ۲۰۲۴ همزمان با حمله اسرائیل به لبنان و حملات علیه ایران، قدرت ایران و حزب‌الله که متحدان سرسخت اسد بودند تضعیف شد. در واقع اسرائیل علاوه بر از بین بردن رده‌های بالای فرماندهی حزب‌الله، زرادخانه عظیم موشک‌ها و موشک‌های ایرانی این گروه را تخریب کرد و حتی پس از اعلام آتش‌بس با لبنان در ۲۷ نوامبر، به حمله به محموله‌های تسلیحاتی ایران به حزب‌الله در سوریه ادامه داد (Hall and Hiltermann, 9 December 2024). نتیجه ضربه‌های سنگینی که اسرائیل به حزب‌الله وارد کرد باعث شد تا از قدرت آن کاسته شود و شورشیان سوری از این فرصت به وجود آمده در قدرت



متحدان سوریه، برای پیشروی به سمت مواضع دولت استفاده کنند (Kent, Tanno and Edwards, 5 Desember 2024). در این رابطه بنیامین نتانیاهاو، نخست وزیر رژیم اسرائیل، سقوط حکومت اسد را نتیجه مستقیم ضرباتی که به ایران و حزب الله، حامیان اصلی اسد توسط اسرائیل وارد شد می داند و جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا نیز مدعی شد که ایالات متحده و متحدانش، حامیان سوریه را تضعیف کردند. وی با بیان اینکه برای اولین بار متحدان اسد دیگر نمی توانند از سیطره او بر قدرت دفاع کنند، افزود: «رویکرد ما توازن قدرت در خاورمیانه را تغییر داده است» (France24, 8 Desember 2024).

در طول جنگ داخلی سوریه، روسیه نیز یکی از وفادارترین حامیان خارجی اسد بود و نیروهای خود را برای پشتیبانی از نیروهای اسد و جت‌هایی برای بمباران دشمنانش می فرستاد (New York Times, 18 December 2024). با کمک ایران و روسیه، رژیم سرزمین‌های از دست رفته پس از شروع درگیری در ۲۰۱۱ را پس گرفت و مداخله روسیه با نیروی هوایی در سال ۲۰۱۵ جریان جنگ را به نفع اسد تغییر داد. با این حال حمله ماه گذشته شورشیان در حالی انجام شد که روسیه همچنان درگیر جنگ خود در اوکراین است و حملات هوایی آن بار نتوانست شورشیان تحت رهبری اسلام‌گرایان تحریر شام را که سراسر کشور را در نوردیده بودند، مهار کند (France 24, 8 Desember 2024). رها کردن رژیم اسد توسط روسیه برای تخصیص منابع بیشتر برای نبرد با اوکراین به وضوح نشان می‌دهد که پوتین آماده است همه چیز را برای پیروزی کامل در جنگ اوکراین فدا کند. هر چند پوتین سعی می‌کند رویکرد واقع‌گرایانه داشته باشد، اما تقریباً همه الزامات سیاست خارجی را به مسئله اوکراین معطوف کرده است. اما جدای از هزینه‌هایی که روسیه در طول این چند سال در سوریه بر جای گذاشته است، عدم حمایت پوتین از اسد که در نهایت منجر به سقوط رژیم شد، حاکمانی که امیدوار به کمک روسیه هستند را با شک و تردید مواجه خواهد ساخت.

با گسترش پیشروی شورشیان، روسیه در ۶ دسامبر، سربازان و دیپلمات‌های خود را فراخواند و شروع به عقب‌نشینی از پایگاه‌های خود کرد. نیروهای دموکراتیک سوریه که تحت تسلط کردها هستند و شورای نظارتی تحت رهبری اعراب، با نیروهای رژیم برای تصرف مناطق تحت کنترل رژیم در دیرالزور و مهم‌تر از همه گذرگاه ابوکمال با عراق به توافق رسیده بودند و مسیر دسترسی خطوط تدارکاتی ایران از طریق عراق به سوریه را قطع کردند (Hall and Hiltermann, 9 December 2024). البته طی



مصاحبه‌ای که کامل صقر، مدیر دفتر رسانه‌ای سابق بشار اسد در روز شنبه ۴ ژانویه ۲۰۲۵ داشت، مدعی شد که روسیه درخواست بشار اسد برای تسهیل انتقال کمک‌های نظامی ایران به سوریه از طریق پایگاه هوایی حمیمیم را پس از سقوط حلب، رد کرد. وی ادامه داد که اسد به مدت سه روز منتهی به ۸ دسامبر -روز سقوط دمشق- نتوانست با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه تماس برقرار کند. طبق گفته او، مقامات ایرانی نیز به اسد اطلاع دادند که هیچ تضمینی برای هواپیماهای ایرانی برای استفاده ایمن از حریم هوایی عراق و سوریه برای تحویل تجهیزات به پایگاه هوایی حمیمیم وجود ندارد (Wana, 5 January 2025) زیرا ایالات متحده تهدید کرده بود که هر هواپیمایی را که وارد حریم هوایی عراق شود، ساقط خواهد کرد. وی توضیح داد علت اصلی عدم حمایت و پاسخ‌گویی روسیه به اسد، رد درخواست روسیه توسط فرستاده ویژه پوتین جهت برقراری ارتباط بین اردوغان و اسد بود که سوریه حتی در سطح وزرای خارجه نپذیرفت. صقر اینگونه استدلال کرد که اسد از پیامدهای سیاسی این دیدار پیشنهادی می‌ترسید. این بی‌میلی از سوی اسد باعث شد که ترکیه موضع قاطع خود را حفظ کند و مسکو در لحظه حساس از کمک به سوریه خودداری کند (Profole News, 5 January 2025). در چنین شرایطی ایران با درک تغییر واقعیت موجود در سوریه، عدم تمایل ارتش سوریه برای ایستادگی در برابر شورشیان و بی‌انگیزه شدن آنها، موضع رسمی خود را اینگونه اعلام کرد که آینده سوریه باید به دست خود سوری‌ها تعیین شود و گذار موفقیت‌آمیز دوره انتقالی برای ایجاد صلح و ثبات در این کشور با در نظر گرفتن حق همه گروه‌ها و جریان‌ها را الزامی شمرد.

در شرایطی که حامیان پیشین حکومت اسد نمی‌توانستند نقشی کلیدی در تحولات سوریه به نفع حکومت مستقر انجام دهند، شورشیان از حمایت کامل نظامی، اقتصادی، سیاسی و اطلاعاتی ترکیه برخوردار بودند. برای ترکیه، سوریه در راستای طرح گسترش نفوذ ژئوپولیتیکی و در قالب نوعثمانی‌گرایی جای می‌گیرد. گذشته از این، ترکیه همواره از خطر پ.ک.ک و همچنین کردهای سوری متحد با این گروه هراسان بوده و به قدرت رسیدن متحدان این کشور در سوریه می‌تواند کردهای سوریه را تضعیف و خلع سلاح کند که کاملاً در راستای اهداف امنیتی ترکیه خواهد بود. البته آینده سوریه و کردها در این کشور به عوامل ژئوپولیتیکی مختلف از جمله نقش ایالات متحده و اسرائیل و سایر قدرتهای منطقه‌ای نیز برمی‌گردد. جاه‌طلبی‌های ژئوپولیتیکی ترکیه می‌تواند در آینده برای اسرائیل، جهان غرب و ایران نیز



خطرناک باشد و این امکان وجود دارد که هر یک از بازیگران فوق به فراخور توان و اهداف خود برای تضعیف نقش ترکیه اقداماتی را انجام دهند.

بعجز ترکیه، اسرائیل و ایالات متحده نیز در تضعیف حکومت اسد نقش داشتند. حملات مکرر اسرائیل به سوریه در طی سالهای قبل عملاً هیمنه ارتش این کشور را متلاشی نمود و ضرباتی را به زیرساختهای نظامی این کشور وارد کرد. همچنین تضعیف شدید حزب الله لبنان توسط اسرائیل، عملاً امکان کنشگری این بازیگر در سوریه را منتفی نمود. این در حالی است که حزب الله لبنان در سالهای جنگ داخلی، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت حکومت اسد ایفا کرده بود. همچنین بنا به نقل قول رهبر جمهوری اسلامی ایران، هنگامی که ایران قصد کنشگری در سوریه را داشت، آسمان و زمین توسط اسرائیل و آمریکا بسته شده و امکان کنشگری ایران را سلب نمودند. گذشته از این، به نظر می‌رسد حضور نیروهای اطلاعاتی و امنیتی اوکراین نیز در این تحولات جهت تضعیف جایگاه جهانی روسیه بی تأثیر نبوده است. رئیس سازمان اطلاعات نظامی اوکراین، بودانوف^۱ گفته که نیروهای اوکراین برای حمله به نیروهای روسیه در هر نقطه جهان حضور خواهند یافت. همچنین نیروهای اوکراینی به شورشیان سوریه کمک می‌کردند تا خودشان هواپیماهای بدون سرنشین بسازند (The New Arab, 4 Desember 2024). طی گزارشی در ۱۰ دسامبر از ایگناتیوس^۲ به‌عنوان ستون نویس واشنگتن پست حدود چهار تا پنج هفته پیش از گزارش فوق، اطلاعات اوکراین تقریباً ۲۰ اپراتور پهباد مجرب و ۱۵۰ هواپیمای بدون سرنشین را در مقر شورشیان استان ادلب سوریه مستقر کرد. هدف این اقدام، حمایت از گروه تحریرالشام بود تا دولت اسد را که هم‌پیمان روسیه است، با چالش و در نهایت سرنگونی مواجه سازد (The New Voice of Ukraine, 11 December 2024). از این جهت بر خلاف جنگ داخلی که حضور نیروهای خارجی منطقه‌ای و بین‌المللی در حمایت از دولت سوریه باعث حفظ و بقای دولت در این کشور شده بود، در این دوره که تحولات با سرعت بالایی صورت گرفت، در کنار عوامل پیشین که مفصلاً به آنها پرداخته شد، نقش عوامل بین‌المللی نیز به ضرر رژیم سوریه تمام شد و نتوانست در بقای آن مؤثر باشد. تا جایی که در کنار عدم همراهی حامیان سابق اسد که به دلایل متعدد نسبت به دوران جنگ داخلی از قدرت

¹ Karylo Budanov

² David Ignatius



آنها کاسته شده بود، مخالفان نیز نقش مؤثرتری از خود ایفا کردند که در نهایت سقوط ناگهانی و کم هزینه رژیم را رقم زد.

نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شد تا چرایی جنگ داخلی طولانی مدت، و همچنین سقوط ناگهانی بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴ در چارچوب رویکرد گلدستون مورد واکاوی قرار گیرد. تحولات سوریه که با اعتراضات مسالمت آمیز آغاز شد، به دلیل سرکوب شدید و همچنین دامن زدن حکومت به شکافهای فرقه‌ای به جنگ داخلی طولانی مدتی تبدیل شد. چندپارگی‌های عمیق اجتماعی که در حمایت بخشی از جامعه از حکومت و بخشی از جامعه از معارضین نمود می‌یافت؛ در کنار ریزش‌ها و جدایی‌هایی در ارتش و البته حفظ هسته اصلی آن، زمینه جنگ داخلی را فراهم آورد. در این میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نیز هر یک به تقویت یکی از مدعیان قدرت (رژیم یا گروههای معارض) می‌پرداختند. البته بعد از سپتامبر ۲۰۱۵ و با نقش آفرینی فزاینده روسیه و همچنین نقش ایران و حزب الله لبنان و سایر گروههای شیعی، موازنه قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی به نفع حکومت اسد تغییر کرد و پیشروی‌های حکومت آغاز گردید تا آنجا که حکومت به مرور بجز استان ادلب و برخی نواحی کردنشین، کنترل سایر مناطق کشور را در دست داشت.

در این میان، پیشروی شورشیان تحریر الشام در دسامبر ۲۰۲۴ به قدری سریع و ناگهانی بود که در کمتر از ۱۲ روز توانستند به دمشق برسند و به حکومت ۵۴ ساله خاندان اسد در سوریه پایان دهند. بر خلاف دوره جنگ داخلی که حکومت از میزانی پایگاه اجتماعی برخوردار بود و ارتش و عوامل بین‌المللی هم نقش موثری در عدم فروپاشی حکومت ایفا کردند، در این زمان چنین اتفاقی تکرار نشد. سیر فقراقی مشروعیت رژیم به دلیل پافشاری بر اشتباهات پیشین و عدم اصلاحات در سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، پایه‌های متزلزل آن را بیش از پیش لغزنده کرده بود. امنیتی بودن شرایط جامعه، عدم آزادی زندانیان سیاسی، سوء مدیریت سازمانی و فساد گسترده و ساختاری، اقتصاد جنگی که منجر به کاهش چند صد درصدی ارزش پول و افزایش بیش از اندازه تورم شده بود، کمبود برق، سوخت، دارو و دیگر امکانات از جمله مواد غذایی، از دست دادن حداقل‌های زندگی مردم و آواره شدن بیش از نیمی از جمعیت سوریه، تنها بخشی از عواملی بود که موج نارضایتی‌ها را علیه رژیم رقم می‌زد طوری که دیگر حتی علویان و دروزی‌ها نیز حاضر به حمایت از رژیم نبودند. نیروهای ارتش هم که در دوره



جنگ داخلی از رژیم حمایت کرده بودند، در این دوره قبل از اینکه شورشیان به مناطق مختلف برسند، سلاح‌های خود را به زمین گذاشته، لباس‌های نظامی را از تن خارج کرده و فرار می‌کردند. بی‌روحی سربازان متأثر از تداوم شرایط جنگی و کاهش ارزش حقوق دریافتی؛ عدم انسجام واحدهای نظامی؛ ضعف رهبری و ساختار فرماندهی متأثر از فساد، ناکارآمدی و خویشاوندسالاری؛ محدودیت منابع شامل مهمات و تسلیحات و سوخت؛ تاکتیک‌های موفق گروه‌های شورشی در انجام حملات سریع و بهره‌گیری از پهبادها؛ شکل‌گیری نارضایتی و احساس زبونی ارتشیان در مقابل نظامیان خارجی در سوریه همگی بر فروپاشی سریع ارتش اسد تأثیر گذارد. باید توجه داشت که اوضاع بد اقتصادی باعث شده بود که بسیاری از نیروها به دلیل کافی نبودن حقوق، یا استعفا داده و یا از راه‌های غیرقانونی از جمله قاچاق و اقتصاد جنگی جبران مافات می‌کردند.

عدم حمایت از رژیم از سوی عوامل خارجی نیز بسیار شایان توجه است. روسیه، ایران و حزب الله لبنان هیچ کدام قادر به کنشگری به مانند سالهای پیش نبودند. برای روسیه درگیر جنگ فرسایشی در اوکراین، اختصاص منابع برای حکومتی ضعیف و رو به زوال و متعاقباً گسترش تنش با ترکیه چندان منطقی به نظر نمی‌رسید. حزب الله لبنان نیز که ضربات سنگینی را از اسرائیل دریافت کرده و در داخل لبنان نیز وضعیت شکننده‌ای دارد، چندان امکان نقش‌آفرینی در سوریه را نداشت. مسئولان جمهوری اسلامی ایران نیز اذعان نمودند که با توجه به کنترل آمریکا و اسرائیل بر زمین و آسمان سوریه، امکان مداخله نداشتند. در رابطه با قدرت منطقه‌ای ایران باید گفت که متعاقب جنگ غزه و اسرائیل که دامنه آن به جنگ تمام عیار اسرائیل و حزب‌الله لبنان کشانده شد، قدرت ایران و گروه‌های منطقه‌ای آن کاهش چشمگیری پیدا نمود. از سوی دیگر، گروه‌های مسلح معارض از حمایت بالای سیاسی، اطلاعاتی، تسلیحاتی و اقتصادی ترکیه سود می‌بردند. در واقع در دسامبر ۲۰۲۴ موازنه قدرت منطقه‌ای به ضرر حکومت اسد و به نفع معارضان تغییر کرده بود. این عامل در کنار نارضایتی‌های عمیق مردمی و سیر قهقراپی مشروعیت و حمایت از اسد حتی در میان حامیان پیشین و بی‌انگیزگی و فرسایش شدید ارتش، سقوط ناگهانی حکومت اسد در آخرین ماه سال ۲۰۲۴ را رقم زد.



اجل، ماکس؛ حداد، بسام و ابوالمغد، زینب (۱۴۰۱)، «دولت، بازار و طبقه مصر، سوریه و تونس»، در کتاب چشم‌اندازی جدید بر اقتصاد سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، به کوشش جوئل بینین، بسام حداد و شرین سیکلی، ترجمه سید امیر نیاکویی و رضا سیمبر، تهران: نشر مخاطب.

احمد، هیفیدار (۲۴ دسامبر ۲۰۲۴)، رئیس وزراء سوریا السابق لرووداو: راتبی الشهری کان ۱۴۰ دولاراً، لرووداو العربی؛ <https://www.rudawarabia.net/arabic/interview/241220242>

خبرگزاری جمهور (۴ اردیبهشت ۱۳۹۸)، «مسکون: اگر ما نبودیم دمشق سال ۲۰۱۵ سقوط می‌کرد»؛ <http://www.jomhornews.com/fa/news/115844>

زیبائی، مهدی؛ سیمبر، رضا و جانسین، احمد (۱۳۹۸)، «نقش آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپا در خاورمیانه پس‌انارام عرب»، دوفصلنامه پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، دوره ۷، شماره ۲، زمستان، صص ۱۳۲-۱۰۵.

متقی، ابراهیم؛ کوهخیل، مرجان و موسی‌پسند، علی‌اصغر (۱۳۹۳)، «نقش بازیگران منطقه‌ای در رادیکالیزه شدن نیروهای اجتماعی خاورمیانه»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۲، تابستان، صص ۶۷-۳۵.

نبوی، سید عبدالامیر و دری، مریم (۱۳۹۶)، «ضعف دولت-ملت‌سازی در سوریه و وقوع جنگ داخلی در این کشور (۲۰۱۶-۲۰۱۱)»، دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۱۲۱-۹۹.

نیاکویی، سید امیر (۱۳۹۱)، کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب، تهران: نشر میزان.

نیاکویی، سید امیر (۱۳۹۳)، ارتش و سیاست در خاورمیانه عربی، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.

نیاکویی، سید امیر (۱۳۹۹)، زمستان عربی و معمای دموکراسی در خاورمیانه، تهران: نشر مخاطب.

نیاکویی، سید امیر و پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۹)، «گذار از دولت به شبه دولت در عراق و سوریه پس از بیداری اسلامی (۲۰۱۱-۲۰۱۸)»، فصلنامه دولت پژوهی، دوره ۶، شماره ۴، زمستان، صص ۲۶۳-۲۲۱.

Aljazeera (30 September 2016), Syria's war: Russian air raids kill 9,400 in one year, <https://www.aljazeera.com/news/2016/9/30/syrias-war-russian-air-raids-kill-9400-in-one-year>

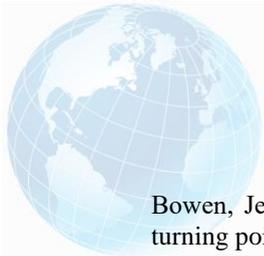
Aljazeera Staff (8 December 2024), What Happened in Syria? How did al-Assad fall?, <https://www.aljazeera.com/news/2024/12/8/what-happened-in-syria-has-al-assad-really-fallen>

Atkinson, M. Alexander Gutfraind, and Moshe Kress (2011), 'When do Armed Revolts Succeed: Lessons from Lanchester Theory', Journal of the Operational Research Society, 63: 1363-73, http://faculty.nps.edu/mkress/docs/ArmedRevolts_submitted.pdf.

BBC (17 June 2010 Updated 9 December 2024), Bashar al-Assad: Sudden downfall ends decades of family's iron rule, <https://www.bbc.com/news/10338256>

BBC (2 May 2023), Why has the Syrian war lasted 12 Years?, <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-35806229>

Belhadj Klaz, Souhail (16 Desember 2024), the Collapse of the Syrian Regims or How the Intelligence Services Disintegrated the Armi, Geneva Araduate Institute, <https://www.graduateinstitute.ch/communications/news/collapse-syrian-regime-or-how-intelligence-services-disintegrated-army>



Bowen, Jeremy (9 December 2024), Shaken by Assad's sudden fall, Syria faces seismic turning point, BBC, <https://www.bbc.com/news/articles/cp8n20z080ko>

Coar Global (30 September 2020), The Syrian economy at war: Armed group mobilization as livelihood and protection strategy, <https://www.coar-global.org/2020/09/30/the-economy-of-war-in-syria-armed-group-mobilization-as-livelihood-and-protection-strategy/>

Daher, Joseph (26 September 2017), The Consequences of Hezbollah's military intervention in Syria on the Lebanese Shia population and Relations with Israel, <https://www.frstrategie.org/en/programmes/observatoire-du-monde-arabo-musulman-et-du-sahel/consequences-hezbollahs-military-intervention-syria-lebanese-shia-population-and-relations-israel-2017>

Flihan, Rima (5 September 2023), The uprising in Sweida will continue until the regime changes in Syria, Atlantic Council, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/sweida-syria-regime-change-assad/>

Fraihat, Ibrahim (2016), Unfinished Revolutions: Yemen, Libya and Tunisia after the Arab spring, Yale University Perss. <https://yalebooks.yale.edu/book/9780300220957/unfinished-revolutions/>

France 24 (8 December 2024), Why the Assad regime collapsed in Syria -and Why so fast, <https://www.france24.com/en/middle-east/20241208-why-the-assad-regime-collapsed-in-syria-and-why-so-fast>

Fuad Alhaj, Omar. Ibrahim, Mahmoud. Karla G, Cedano (2023), Energy Poverty in the face of armed conflict: The challenge of appropriate assessment in wartime Syria, Energy Research & Social Science, v95, January, <https://doi.org/10.1016/j.erss.2022.102910>

Goldstone, Jack. A. (2011), 'Understanding the Revolutions of 2011', Foreign Affairs, May/June, www.foreignaffair.com/articles/67694/Jack-a-goldston/understanding-the-revolution-2011

Grewal, Sharan (9 Desember 2024), Why Assad's army collapsed-and what it may mean for Syria's future. <https://www.brookings.edu/articles/the-assad-regime-falls-what-happens-now/>

Haj Suleiman, Ali and Hezaber, Husam (21 August 2023), Strike, protests in Syria's Sweida enter second day, Aljazeera, <https://www.aljazeera.com/news/2023/8/21/strike-protests-in-syrias-sweida-enter-second-day>

Hall, Natasha and Hiltermann, Joost R (9 December 2024), The Day After Assad, Foreign Affairs, <https://www.foreignaffairs.com/syria/day-after-bashar-al-assad-russia-iran>.

Jones, Seth G (20 June 2018), The Escalating Conflict With Hezbollah in Syria, Center for Strategic International Studies, <https://www.csis.org/analysis/escalating-conflict-hezbollah-syria>

Kent, Lauren; Tanno, Sophin and Edwards, Christian (5 December 2024), What's happening in Syria? A simple guide, CNN, <https://www.cnn.com/2024/11/30/middleeast/syrian-civil-war-reignited-explainer-intl/index.html>

Laub, Zachary (20 December 2024), Syria's Civil war: The Descent InTo Horror, <https://www.cfr.org/article/syrias-civil-war>

Levant24 (8 September 2022), Assad Regime Unable to find Solution to Low Salaries, <https://levant24.com/news/2022/09/assad-regime-unable-to-find-solution-to-low-salaries/>



Lutterbeck, D. (2011). Arab Uprisings and Armed Forces: Between Openness and Resistance (Vol. 2). Ubiquity Press. <http://www.jstor.org/stable/j.ctv6zdb3f>

Makki, Danny (16 August 2023), Syria's economic freefall continues despite Arab League return, Middle East Institute, <https://www.mei.edu/publications/syrias-economic-freefall-continues-despite-arab-league-return>

MENA Task Force (10 December 2024), A New Chapter For Syria: Analyzing the Collapse of Assad's Regime, Beyond the Horizon, <https://behorizon.org/a-new-chapter-for-syria-analyzing-the-collapse-of-assads-regime/>

Niakoee, seyed Amir (2013), Contemporary Arab Uprising: Different Proccses and Outcomes, Japanese Journal of Political Science, V 14, P 3, September, <https://www.cambridge.org/core/journals/japanese-journal-of-political-science/article/abs/contemporary-arab-uprisings-different-processes-and-outcomes/55262E92F372958CA2BD66916FDC5845>

Nofal, Walid (21 May 2024), A government job is a burden: Syrian regime intitutions bleed staff, Syria Direct, <https://syriadirect.org/syrian-regime-institutions-bleed-staff/>

Pollack, Keneth. M (2019), Armies of Sand: The Past, Present and Future of Arab Military Effectiveness, Oxford University Press. <https://global.oup.com/academic/product/armies-of-sand-9780197524640?cc=us&lang=en&>

Pradhan, Prasanta Kumar (2017), Arab Spring and Sectarian Fautlines in West Arab: Bahrain, Yemen and Syria. Institute for Defence studies and Analyses, New Delhi. <https://www.idsa.in/publisher/book/arab-spring-and-sectarian-faultlines-in-west-asia-bahrain-yemen-and-syria-2/>

Profile News (5 January 2025), Former Syrian Regime Media Office Director Reveals the Final Days Before Assad's Fall, <https://www.profilenews.com/en/former-syrian-regime-media-office-director-reveals-the-final-days-before-assads-fall>

Shaar, Karam and Heydemann, Steven (26 August 2024), Networked authoritarianism and economic resilience in Syria, Brookings, <https://www.brookings.edu/articles/networked-authoritarianism-and-economic-resilience-in-syria/>

Sharif, Sally. (2021). Predicting the end of the Syrian conflict: From theory to the reality of a civil war. Studies in Conflict & Terrorism, 44(4), 326-345. <file:///C:/Users/Lenovo/Downloads/ssrn-4231685.pdf>

Siyech, Mohammed Sinan and Hadj-Cherif, Celsabil (12 December 2024), Assad's fall: The legacy of repression and Foreign influence among Syrian rebels, Observer Research Foundation, <https://www.orfonline.org/expert-speak/assad-s-fall-the-legacy-of-repression-and-foreign-influence-among-syrian-rebels>

Skocpol, Theda. (1979), States and Social Revolutions, Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511815805>

Syria Justice And Accountability Centre, (February 2023), Syria's Economic Collapse: violence without a Pepetrator?, <https://syriaaccountability.org/syrias-economic-collapse-violence-without-a-perpetrator/>

The Guardian (25 August 2023), Anti-government protests Shake Syrian provinces amid anger over economy, <https://www.theguardian.com/world/2023/aug/26/anti-government-protests-shake-syrian-provinces-amid-anger-over-economy>



The New Arab (4 December 2024), Ukraian intelligence coordinating with Syrian rebels against mutual enemy, says opposition figure, <https://www.newarab.com/news/ukraine-intelligence-may-be-coordinating-syrian-rebels>

The New Voice of Ukrain (11 December 2024), Ukrainian drone operators aid Syrian rebels in toppling Assad regime, <https://english.nv.ua/nation/how-ukraine-helped-humiliate-russia-in-syria-wp-report-50473405.html>

The New York Times (18 December 2024), The Fall of in Saria: How It Happened and What comes Next, <https://www.nytimes.com/article/syria-civil-war-rebels.html>

Vorobyov, Niko (18 December 2024), What Will happen to Al-Assads Catagon empire now?, Aljazeera, <https://www.aljazeera.com/features/2024/12/18/what-will-happen-to-al-assads-captagon-empire-now>

Wafai, Hassan (13 December 2024), The road back to Damascus: Syria's new rulers face challenges in de-weaponizing supply chains, thr Conversation, <https://theconversation.com/the-road-back-to-damascus-syrias-new-rulers-face-challenges-in-de-weaponizing-supply-chains-246118>

Wana (5 January 2025), Ex-Syrian Media Chief Rvwveals New Detalis on Damascus Fall, <https://wanaen.com/ex-syrian-media-chief-reveals-new-details-on-damascus-fall/>

Zisser, Eyal. (2018). Why Has Bashar Won the War in Syria?. Strategic Assessment, 21(2), 65. https://www.academia.edu/37144101/Why_Has_Bashar_Won_the_War_in_Syria

Žuber, Marian., & Moussa, Samuel. Ssahel. (2018, June). Arab spring as a background of civil war in Syria. In International Conference Knowledge-Based Organization (Vol. 24, No. 1, pp. 245-251). <https://intapi.sciendo.com/pdf/10.1515/kbo-2018-0038>